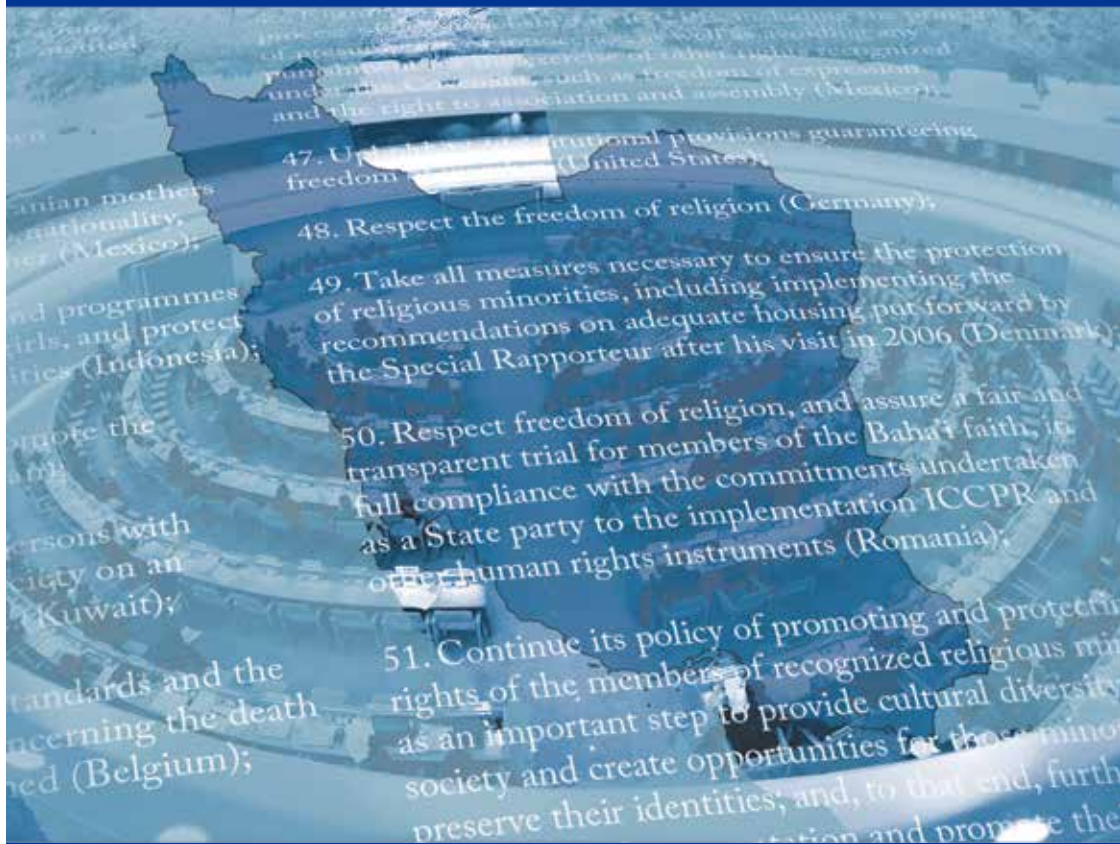


جامعه جهانی بهائی

وعده‌های تحقق نیافته

عدم پایبندی ایران به اجرای تعهداتی که در روند
بررسی ادواری جهانی در سال ۱۳۸۸ پذیرفته بود



گزارش ویژه
جامعه جهانی بهائی
شهریور ۱۳۹۳

وعده‌های تحقق نیافته

عدم پایبندی ایران به اجرای تعهداتی که در روند بررسی
ادواری جهانی در سال ۱۳۸۸ پذیرفته بود

گزارش ویژه
جامعه جهانی بهائی
شهریور ۱۳۹۳

www.bic.org/UnfulfilledPromises

وعده‌های تحقق نیافته

عدم پایبندی ایران به اجرای تعهداتی که در روند بررسی
ادواری جهانی در سال ۱۳۸۸ پذیرفته بود

گزارش ویژه
جامعه جهانی بهائی
شهریور ۱۳۹۳

www.bic.org/UnfulfilledPromises
© ۲۰۱۴ by the Bahá'í International Community
۸۶۶ United Nations Plaza
Suite ۱۲۰
New York, NY ۱۰۰۱۷-۱۸۳۳ USA
<http://bic.org>

تصویر روی جلد: روی جلد این گزارش تصویری از بخشی از متون توصیه های بررسی ادواری جهانی در ارتباط با آزادی دینی و نحوه رفتار با جامعه بهائیان بر پس زمینه ای از تالار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مقر این سازمان در ژنو است.

فهرست

۱	مقدمه	۱
۴	ایران و بررسی ادواری جهانی در سال ۱۳۸۸	۲
۴	• توصیه‌هایی که ایران بر مبنای بررسی ادواری جهانی پذیرفت	۴
۶	• میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ارتباط با بررسی ادواری جهانی	۶
۷	- وعده‌های رئیس‌جمهور روحانی از زمان بررسی ادواری جهانی	۷
۹	۳ وعده‌های تحقق نیافته ایران و وضعیت کنونی بهائیان	۹
۹	• زندان	۹
۱۰	• خشونت، شکنجه و بدرفتاری تحت بازجویی	۱۰
۱۱	• دستگیری‌ها و بازداشت خودسرانه	۱۱
۱۲	• نفرت پراکنی	۱۲
۱۳	• تبلیغات ضد بهائی به عنوان یکی از مشخصات سرکوب	۱۳
۱۴	- قتل با انگیزه دینی	۱۴
۱۶	• تبعیض در آموزش عالی	۱۶
۱۷	• تبعیض در مدارس ابتدایی و راهنمایی	۱۷
۱۸	- مؤسسه آموزش عالی بهائی	۱۸
۱۹	• سرکوب اقتصادی	۱۹

۲۰	• مصونیت از پیگرد
۲۱	- نفرت علیه زندگان – و مردگان.
۲۳	۴ پرونده هفت مدیر زندانی بهائی
۲۴	- جرم واقعی آنها: خدمت به جامعه شان
۲۵	• موارد نقض قوانین ایرانی و بین‌المللی طی محاکمه
۳۰	۵ زمینه آزار بهائیان در ایران
۳۳	• مسئله بهائیان: نقشه محرمانه ایران برای سرکوب جامعه بهائی
۳۶	۶ نتیجه
	الف. لیست توصیه های قبول شده از طرف ایران در جریان بررسی ادواری جهانی
۳۸	آن کشور در سال ۱۳۸۸

(۱) مقدمه

در بهمن ۱۳۸۸ (فوریه ۲۰۱۰)، جمهوری اسلامی ایران اولین بررسی ادواری جهانی خود را پشت سر گذاشت. در این فرایند، دولت ایران ۱۲۳ مورد از ۱۸۸ توصیه برای بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور را پذیرفت. این توصیه‌ها پیشنهادهایی از «برداشتن گام‌هایی در رفع شکنجه» تا تقاضاهای عمومی‌تر از ایران مانند «پذیرفتن تمام عیار تعهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر» را در برمی‌گرفت.

حداقل چهار مورد از توصیه‌های پذیرفته شده مربوط به آزادی دینی و چهار مورد دیگر به طور مستقیم مربوط به رفتار دولت ایران با اقلیت دینی بهائی بود.

واقعیت غم‌انگیز از این قرار است: پس از چهار سال که از قبول این تعهدات می‌گذرد، جمهوری اسلامی ایران نه تنها کوچکترین قدمی در جهت اجرای موارد پیشنهادی پذیرفته شده از طرف آن کشور که مربوط به بهائیان ایران می‌شود، برنداشته بلکه در حقیقت، خلاف آن عمل کرده است: میزان و شدت نقض حقوق بشر در ارتباط با بهائیان به قوت خود باقی و با اقداماتی دیگر از شدتی بیشتر هم برخوردار شده است.

علاوه بر آن، در مقایسه با تعهدات گسترده ایران در سال ۱۳۸۸ در ارتباط با مواردی چون منع شکنجه، رعایت حقوق بازداشت شدگان، رعایت روند قانونی مقتضی در دادرسی‌ها و گام‌هایی در جهت تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی همه شهروندان، تداوم اذیت و آزار بهائیان توسط ایران به طور کلی نمونه بارزی از عدم پایبندی دولت ایران به اجرای توصیه‌های بررسی ادواری جهانی است.

در مجموع، حداقل ۳۴ مورد از توصیه‌های پذیرفته‌شده توسط ایران به مسائلی که بهائیان با آن مواجهند می‌پردازد ولی دولت به هیچ یک از این توصیه‌ها اعتنائی نکرده است.

بهائیان بزرگ‌ترین اقلیت دینی غیرمسلمان ایران هستند. پیروان این آئین از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

(۱۹۷۹) به طور سیستماتیک در چهارچوب

سیاست‌های حکومتی مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند. در اولین دهه این سرکوب‌ها، بیش از ۲۰۰ بهائی کشته یا اعدام شدند؛ صدها نفر دیگر مورد شکنجه قرار گرفته و یا به زندان محکوم شدند. ده‌ها هزار تن از کار بیکار یا از دسترسی به آموزش و حقوق دیگر خود محروم شده‌اند. همه این اذیت و آزارها صرفاً به خاطر اعتقاد دینی آنان صورت گرفته است.

پس از گشایشی مختصر و کوتاه مدت از اواخر دهه شصت تا دهه هفتاد (دهه ۱۹۹۰ میلادی)، در میانه دهه ۲۰۰۰ یورش‌ها به بهائیان تحت رهبری حکومت دوباره افزایش یافت. از سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۵)، بیش از ۷۲۵ بهائی به خاطر اعتقاد دینی خود دستگیر شده‌اند و طی این دوره تعداد بهائیان زندانی از کمتر از ۵ به بیش از ۱۰۰ نفر افزایش یافت. فهرست این زندانیان، بهائیان از همه لایه‌ها و طبقات اجتماعی را از مدرسان تا مغازه‌داران، از دانشجویان تا ۷ مدیر سابق جامعه بهائیان- که به شکلی منجر کننده در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) دستگیر



در مقایسه با تعهدات گسترده ایران در سال ۱۳۸۸ در ارتباط با مواردی چون منع شکنجه، رعایت حقوق بازداشت شدگان، رعایت روند قانونی مقتضی در دادرسی‌ها و گام‌هایی در جهت تأمین حقوق اقتصادی و اجتماعی همه شهروندان، تداوم اذیت و آزار بهائیان توسط ایران به طور کلی نمونه بارزی از عدم پایبندی دولت ایران به اجرای توصیه‌های بررسی ادواری جهانی است.

داخل خانه یک بهائی در شیراز ایران، پس از یورش مأموران وزارت اطلاعات در اردیبهشت یا خرداد ۱۳۹۰ (مه ۲۰۱۱).

شدند- در برمی‌گیرد. این فهرست همه گروه‌های سنی را نیز شامل می‌شود و در برخی موارد حتی نوزادان نیز با مادران خود زندانی شده‌اند.

در دهه اخیر تهدید مداوم به یورش، دستگیری، بازداشت یا زندان از جمله ویژگی‌های اصلی اذیت و آزار بهائیان در ایران بوده و امروز نیز با وجود وعده‌های ایران طی بررسی ادواری جهانی و برغم وعده‌های حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر پایان بخشیدن به تبعیض‌های دینی از شدت سرکوب کم نشده و این سرکوب همچنان ادامه دارد. دیگر انواع اذیت و آزار مداوم، شامل مجموعه‌ای از محدودیت‌های اقتصادی و آموزشی، تشدید محدودیت‌ها در خصوص حق تجمع و نیایش و انتشار تبلیغات ضد بهائی در رسانه‌های خبری تحت رهبری حکومت است. عوامل حمله به بهائیان یا املاک متعلق به آنان تحت تعقیب و تنبیه قرار نگرفته‌اند و این واقعیت به مهاجمان بالقوه در آینده نوعی حس مصونیت می‌دهد و نشان از آن دارد که حکومت اگر هم مسئولیت حملات وارده به بهائیان را نمی‌پذیرد، دست کم این حملات و تجاوزها را کاملاً تایید می‌کند.

همان‌طور که این گزارش نشان خواهد داد، ایران توصیه‌های گسترده‌ای از کشورهای دیگر را در زمینه این مسائل و موارد دیگر پذیرفته است. با وجود این، در مجموع تبعیض علیه بهائیان و اذیت و آزار آنان کاهش نیافته و به ویژه:

بهائیان همچنان با سرعت فزاینده‌ای دستگیر می‌شوند. در فاصله بین اولین بررسی ادواری جهانی ایران در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا مرداد ۱۳۹۳ (اوت ۲۰۱۴)، بیش از ۴۴۰ بهائی صرفاً بنا بر اتهاماتی در ارتباط با باورهای دینی شان دستگیر شدند. این دستگیری‌ها و بازداشت‌ها با بسیاری از توصیه‌های پذیرفته شده توسط دولت ایران، از نحوه برخورد با بازداشت‌شدگان گرفته تا تأمین آزادی دینی، برگزاری محاکمه‌های عادلانه برای بهائیان تا موارد کلی از جمله تضمین روند قانونی مقتضی دادرسی‌ها و شرایط نگه داری از بازداشت‌شدگان در تناقض کامل است. از آغاز دوره ریاست جمهوری حسن روحانی در مرداد ۱۳۹۲ (اوت ۲۰۱۳) نیز این وضعیت بهبود نیافته است. بین مرداد ۱۳۹۲ و مرداد ۱۳۹۳ (اوت ۲۰۱۳ و اوت ۲۰۱۴)، حداقل ۵۵ بهائی دستگیر شده‌اند.

حملات خشونت‌آمیز علیه بهائیان ادامه دارد و با وجود پذیرش توصیه‌هایی که خواهان برداشتن گام‌هایی در جهت «پایان دادن به فرهنگ کنونی مصونیت مهاجمان» است، کماکان هیچ‌کس تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد. به عنوان مثال، در شهریور ۱۳۹۲ (اوت ۲۰۱۳)، یک بهائی در بندرعباس توسط مهاجمان ناشناس، طی جنابیتی که صرفاً با انگیزه‌های دینی صورت گرفت، با شلیک گلوله به سرش به قتل رسید. تا به امروز، هیچ کس به خاطر این قتل به پای میز محاکمه کشانده نشده است. مهاجم دیگری نیز که اعضای یک خانواده سه نفری را در دی ماه ۱۳۹۲ (ژانویه ۲۰۱۴) در بیرجند به شدت مضروب کرد، سر و کارش به دادگاه نیفتاده است. حمله به گورستان‌های بهائی نیز همچنان با برخورداری کامل مهاجمان از مصونیت و مجازات نشدن ادامه دارد.

تبلیغات ضد بهائی توأم با نفرت پراکنی علیه آنان کما فی السابق در رسانه‌های دولتی و نیمه دولتی ایران ادامه دارد و مسئولان چنین تبلیغاتی نیز همچنان تحت پیگرد قرار نمی‌گیرند. در واقع، از اواخر سال ۱۳۹۲ (نیمه اول سال ۲۰۱۴) حجم این حملات رسانه‌ای به شدت افزایش یافته و از ۵۵ مورد در دی/بهمن (ژانویه) به حداقل ۵۶۵ مورد در خرداد/تیر (ژوئن) رسیده است. این امر نقض صریح و آشکار یکی از توصیه‌های پذیرفته‌شده توسط ایران است که دولت را موظف به «احترام کامل به حقوق پیروان آئین بهائی و تعقیب قضائی کسانی می‌کند که در محافل و مجامع دینی علیه بهائیان نفرت پراکنی می‌کنند.»

جوانان بهائی همچنان براساس سیاست رسمی حکومت از دسترسی به تحصیلات دانشگاهی محروم هستند و این امر نیز نقض آشکار توصیه‌های مربوط به پایان دادن به تبعیض دینی و توصیه‌های مبتنی بر بهبود دسترسی بهائیان به آموزش عالی است. توصیه‌ای که دولت ایران پذیرفته است.

سرکوب اقتصادی بهائیان نیز که کماکان به قوت خود باقی است با تعهدات ایران مبنی بر

در دهه اخیر تهدید مداوم به یورش، دستگیری، بازداشت یا زندان از جمله ویژگی‌های اصلی اذیت و آزار بهائیان در ایران بوده و امروز نیز با وجود وعده‌های ایران طی بررسی ادواری جهانی و برغم وعده‌های حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر پایان بخشیدن به تبعیض‌های دینی از شدت سرکوب کم نشده و این سرکوب همچنان ادامه دارد.

احقاق کلیه حقوق اقتصادی و اجتماعی تمامی شهروندان مغایرت فاحش دارد. بررسی مختصری نشان می‌دهد که طی دوره بین سال‌های ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) و ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)، حداقل ۵۰ مغازه یا محل کسب و کار متعلق به بهائیان خودسرانه تعطیل و بیش از ۲۰۰ بهائی از داشتن شغل محروم و به خیل بیکاران پیوسته‌اند. تعدادی از مسلمانانی نیز که در کسب و کارهای متعلق به بهائیان مشغول به کار بودند، در اثر این تعطیل شدن این واحد های اقتصادی شغل خود را از دست داده‌اند.



مغازه متعلق به یک بهائی در رفسنجان، ایران، که هدف آتش‌افروزان قرار گرفته. از ۳ آبان ۱۳۸۹ (۲۵ اکتبر ۲۰۱۰) کسب و کارهای چندین بهائی در موجی از حملات در آن شهر، به تخریب جدی دچار شده است. حملات با یک نامه بدون نام همراه بودند که به «اعضای فرقه بهائیت» هشدار می‌داد دین خود را تبلیغ نکنند.

۲. ایران و بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸

بررسی ادواری جهانی در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۶) هنگام ایجاد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر آن شورا بنیان نهاده شد. دولت‌های عضو فرایندی ایجاد کردند که با همه دولت‌ها در بررسی سوابق حقوق بشرشان به طور برابر رفتار می‌کند. چنین ارزیابی به شکل منظم یا «دوره‌ای» (هر چهار سال یک بار) انجام می‌شود.

هدف از این بررسی، ایجاد یک «مکانیسم مبتنی بر همکاری و بر اساس گفتگوی تعاملی با مشارکت کامل کشور مورد نظر» است. این مکانیسم باید «شورای حقوق بشر» را در «اجرای رسالت و مأموریت اصلی آن یعنی «ارتقاء و گسترش صیانت از کلیه حقوق و آزادی‌های بنیادین همگان در سطح جهانی» یاری دهد.^۱

توصیه‌هایی که ایران بر مبنای بررسی ادواری جهانی پذیرفت

نخستین بررسی ادواری جهانی ایران در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰)^۲ با همکاری کامل جمهوری اسلامی ایران با رویه‌های شورا صورت گرفت. همان‌طور که مقرر بود ایران پیش از جلسه یک گزارش ملی تسلیم شورای حقوق بشر کرد، طی بررسی به پرسش‌ها پاسخ گفت و سپس بسیاری از توصیه‌های کشورهای دیگر در راستای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران را پذیرفت.

علی‌الخصوص، ایران اعلام کرد از ۱۸۸ توصیه‌ای که دیگر اعضای شورا مطرح کردند، ۱۰۲ مورد «از حمایت کامل ایران برخوردار است» و ۲۱ مورد دیگر «قبلاً اجرا شده یا در جریان اجرایی شدن است». ایران قول داد که ۲۰ مورد دیگر از آن توصیه‌ها را «بررسی» کند و ۴۵ مورد را به بهانه «ناسازگار بودن» آنها با قوانین یا تعهدات کنونی ایران رد کرد.

شایان ذکر است که ۱۲ مورد از توصیه‌های رد شده به طور ویژه به اذیت و آزار بهائیان در ایران مربوط می‌شدند و مجموعه‌ای گسترده از توصیه‌ها، از درخواست آزادی رهبران بهائی از زندان تا توبیخ هر مدیر یا معلم مدرسه عامل اعمال تبعیض علیه کودکان بهائی را در بر می‌گیرد. با وجود این، ما در این گزارش صرفاً بر توصیه‌های پذیرفته شده توسط ایران متمرکز شده ایم چرا که میزان تلاش این کشور در متحقق ساختن این توصیه‌ها به نحوی کامل تعهد واقعی و پایبندی ایران به فرایند بررسی ادواری جهانی را به نمایش خواهد گذاشت.

در پرتو این مسأله، یادآوری این نکته مهم است که بسیاری از توصیه‌های مورد حمایت ایران به حوزه گسترده حقوق بشر بین‌المللی مربوط بودند. توصیه زلاندنو به ایران مبنی بر پایبندی کامل به تعهدات مرتبط با حقوق بشر جهان شمولی که دولت تهران متعهد به رعایت شان است در زمره این توصیه‌هاست.^۳

نکته مهم این است که چهار مورد از توصیه‌هایی که مورد حمایت ایران قرار گرفته به نحوی خاص به برخورد حکومت با جامعه بهائی ایرانی اشاره دارد. این مسأله شایسته توجه است که ایران در گزارش ملی خود، در همایش‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی و هیچ جای دیگری در سال‌های اخیر، به بهائیان اشاره نکرده و مکرراً منکر اعمال هرگونه تبعیضی علیه آنان شده است.

۱. ترجمه از UN Document A/RES/60/251 — “Human Rights Council

۲. تاریخ گفتگوی تعاملی که بررسی رسمی ایران در برابر شورا به حساب می‌آمد، ۲۶ بهمن ۱۳۸۸ (۱۵ فوریه ۲۰۱۰) اعلام شد – اما پیش از آن جلسه، یک دوره تکمیل پرونده وجود داشت که طی آن اسناد بسیاری درباره پیشینه و کارنامه حقوق بشری ایران به شورا فرستاده شد.

۳. ترجمه از

UN Document A/HRC/14/12 “Report of the Working Group on the Universal Periodic Review — Islamic Republic of Iran” p. 13

چهار توصیه پذیرفته شده که خصوصاً به بهائیان اشاره دارد عبارتند از:

۵۰. احترام به آزادی دین، و تضمین محاکمه عادلانه و شفاف اعضای جامعه بهائی، با تبعیت کامل از تعهدات پذیرفته شده به عنوان یک کشور متعهد به اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ و دیگر اسناد و مصوبات حقوق بشر (رومانی)؛

۱۱۷. [ایران] اطمینان دهد که محاکمه هفت مدیر جامعه بهائی عادلانه و شفاف و مطابق با ضوابط بین المللی برگزار و قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت ها اصلاح می شوند (استرالیا)؛

۱۱۸. [ایران] تضمین کند که محاکمه "یاران"^۵ به روشی عادلانه و شفاف، براساس قوانین ایران، عدالت واقعی و رعایت تشریفات قانونی انجام شود (نیوزیلند)؛

۱۱۹. [ایران] حقوق پیروان جامعه بهائی را به طور کامل رعایت و کسانی را که در محافل و مجامع دینی، رسانه ها و اینترنت علیه آنان نفرت پراکنی می کنند تحت پیگرد قانونی قرار دهد (لوکزامبورگ)؛^۶

افزون بر این، چهار مورد از توصیه های مورد پذیرش ایران به طور مستقیم به آزادی دین یا حفظ و صیانت اقلیت های دینی می پردازند که عبارتند از:

۹. حصول اطمینان از این که مجموعه قوانین آن کشور و اجرای آنها کاملاً با مقتضیات و شرایط ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر تعهدات ایران براساس قانون بین المللی حقوق بشر مطابقت خواهد داشت. (لهستان)؛

۴۸. رعایت آزادی دین (آلمان)؛

۴۹. اتخاذ همه تدابیر لازم برای تضمین حفظ و صیانت اقلیت های دینی، از جمله اجرای پیشنهادهای مربوط به تامین مسکن مناسب و در خور شأن آنان که از سوی گزارشگر ویژه پس از دیدار ۲۰۰۶ وی مطرح شد (دانمارک)؛

۱۰۳. تضمین استقلال واقعی رویه ها و اجرای عدالت، قوانین محدود شده اضطراری، حمایت کافی از مدافعان حقوق بشر و مخالفان سیاسی، و تضمین موثر آزادی بیان و فکر و آزادی دین و عقیده به پیروی از تعهدات خود براساس میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (شیلی)؛

علاوه بر این هشت توصیه پذیرفته شده، ایران ۲۶ توصیه دیگر را پذیرفت که عمل به آن می تواند بر نحوه برخورد کنونی حکومت با بهائیان تأثیری مستقیم داشته باشد. این موارد طیفی گسترده از توصیه هایی از چگونگی پایان دادن به اعمال شکنجه تا ارتقاء و پیشبرد حقوق اقتصادی را در بر می گیرند.

فهرست این موارد در فصل بعد خواهد آمد و نشان داده می شود که چطور در مجموع حدود ۳۴ توصیه پذیرفته شده توسط ایران که به جامعه بهائی مربوط هستند نادیده گرفته شده است.



تالار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد - عکس سازمان ملل از ژان مارک فره

۴. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ICCPR

۵. یاران اشاره به هفت مدیر زندانی بهائی

۶. مقامات ایران می گویند این سه توصیه اخیر، #۱۱۷، #۱۱۸ و #۱۱۹ از جمله مواردی هستند که به نظر آنان "در حال حاضر اجرا شده یا در جریان عملی شدن است."

شایان یادآوری است که در رأس فهرست توصیه‌های پذیرفته شده به صراحت بر ضرورت پایبندی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور اخص و «دیگر تعهدات بین‌المللی» این کشور به طور اعم تأکید شده است. تأکیدی که تحقق آن بر چگونگی برخورد دولت با نه تنها بهائیان بل بر تمامی شهروندان مؤثر خواهد بود.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ارتباط با بررسی ادواری جهانی

البته میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها را موظف به رعایت گستره وسیعی از حقوق بشر، از روند قانونی مقتضی در دادرسی‌ها تا منع شکنجه متعهد می‌کند. ایران در سال ۱۳۵۴/۱۳۵۵ (۱۹۷۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده و کماکان موظف است که مفاد آن را اجرا کند. ایران همچنین با کمیته حقوق بشر، هیئت نظارتی برای اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی، همکاری کرده است.

افزون بر این، در بررسی دوره ای جهانی سال ۱۳۸۸ ایران توصیه‌های مطرح شده در این بررسی را که خواهان پایبندی کامل این کشور به «تعهدات بین‌المللی» خویش به گونه ای همه جانبه است، به صراحت پذیرفت.

همان‌طور که اشاره شد، بسیاری از شرایط و موازین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور مستقیم با نحوه برخورد ایران با بهائیان مرتبط است. در این عرصه به طور مثال می‌توان از موارد مربوط به رعایت روند قانونی مقتضی در محاکمات و اشکال مختلف حفظ و صیانت بازداشت‌شدگان و زندانیان گرفته تا مواردی که مانع شکنجه یا برخوردهای ظالمانه با آنان می‌شود یاد کرد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین به صراحت بر آزادی دین تأکید می‌ورزد و همان‌طور که در بالا اشاره شد، ایران توصیه‌ای از لهستان (۹#) را پذیرفته است که با استناد به ماده ۱۸ این میثاق به طور خاص به این مسئله اشاره می‌کند.

در بند ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این میثاق آشکارا «حق آزادی اندیشه، وجدان و دین» را تضمین می‌کند. حقی که متضمن حفاظت از شهروندان از سوی دولت در برابر اعمال زور برای سلب این آزادی و نیز تحقق این آزادی در چهارچوب «عبادت، اجرای مناسک، عمل به عقیده و تبلیغ آن» است.

در بند ۱۸ همچنین شامل حق «آزادی داشتن یا گرویدن به یک دین و عقیده از سوی فرد و آزادی اظهار آن، عبادت، اجرا و تبلیغ آن، چه به صورت فردی و چه به شکل جمعی و به شکل عمومی یا خصوصی» است.

ایران در رفتار با بهائیان این کشور همه این حقوق را به طور کامل نقض کرده است. بهائیان نه تنها با محدودیت‌هایی در نحوه «عبادت، اجرای مناسک، عمل به عقیده و تبلیغ آن» دین خود روبرو هستند، بلکه به نحوی بسیار چشمگیر و غم‌انگیز قربانی «اعمال زور» بوده و آزادی‌های آنها از طریق دستگیری‌های خودسرانه، زندان، محرومیت از دسترسی به آموزش، محدودیت‌های اقتصادی و دیگر اشکال تبعیض لطمه می‌بیند.

ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۱. هر کس حق آزادی اندیشه و وجدان و دین دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول يك مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تبلیغ آن می‌باشد.

۲. هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول يك مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

۳. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصرأ به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

۴. دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

مقامات ایرانی در اظهار نظرهای خود در مجامع داخلی و خارجی منکر وجود هرگونه تبعیضی علیه بهائیان شده یا ادعا کرده‌اند که اگر یک بهائی زندانی یا به نحو دیگری در فعالیت‌هایش با محدودیت روبرو می‌شود، به این خاطر است که «آئین بهائی صرفاً یک جنبش سیاسی فتنه‌جویانه است نه یک دین برخوردار از مشروعیت».

چنین ادعاهایی فاقد هرگونه مبنا و حقیقت بوده و مقامات ایران در مقابل دلایلی که در رد ادعاهای شان مطرح می‌شود حرفی برای گفتن ندارند.

وعده‌های حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، از زمان بررسی ادواری جهانی

در رسیدگی به تعهداتی که ایران طی بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) پذیرفت و درجه خودداری این کشور از عمل به این تعهدات، بررسی وعده‌های رئیس جمهوری جدید در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) حائز اهمیت است. آقای روحانی در مرداد ۱۳۹۲ (اوت ۲۰۱۳) قدرت را به دست گرفت و مجموعه‌ای از وعده‌های گسترده را برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران مطرح کرد. وعده‌هایی که شامل اشاراتی مستقیم به پایان دادن به تبعیض دینی بود.

از زمان روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید در سال گذشته، تغییر لحن دیپلمات‌های ایران به هنگام سخن گفتن از سابقه حقوق بشری خود در سازمان ملل متحد و شورای حقوق بشر این سازمان، به وضوح قابل مشاهده است. مقاماتی که جمهوری اسلامی ایران را نمایندگی می‌کنند ضمن ادامه انکار نقض حقوق بشر و اعمال تبعیض علیه بهائیان به لحن معتدل و میانه روانه حسن روحانی تأسی کرده و تلویحاً اعلام می‌کنند «فقط به ما کمی مهلت بدهید».

نماینده ایران در شورای حقوق بشر در ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ (۱۷ مارس ۲۰۱۴) گفت: «ما از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم تا تحرک ایجاد شده توسط دولتی را که به تازگی به شکلی دموکراتیک انتخاب شده غنیمت شمرده و با همکاری مثبت و سازنده با ایران گفتگو (دیالوگ) بی‌ریا را در جهت ارتقاء و صیانت از همه موارد حقوق بشر آغاز کند».

با این حال، حتی در وضعیت کنونی نیز شکافی ژرف میان گفته‌ها و واقعیت عملکرد حکومت جدید مشاهده می‌شود.

در ۲۲ فروردین ۱۳۹۲ (۱۱ آوریل ۲۰۱۳)، روحانی به عنوان یک نامزد مقام ریاست جمهوری گفت: «همه ایرانیان باید احساس کنند که عدالت وجود دارد. عدالت به معنای فرصت برابر است. همه قومیت‌ها، ادیان و حتی اقلیت‌های مذهبی، باید عدالت را احساس کنند».^۱

از جمله تعهدات اصلی او تهیه پیش‌نویس یک «منشور حقوق شهروندی» تازه پس از انتخاب شدن بود. او به صراحت گفت که آن منشور خواهان برابری برای همه شهروندان، بدون تبعیض بر اساس نژاد، دین یا جنسیت خواهد بود.^۲

این وعده و وعده‌ها مورد توجه جدی جامعه بین‌المللی قرار گرفت.

بان کی - مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در گزارش‌های اخیر



رئیس جمهور ایران، حسن روحانی، در حال سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲ مهر ۱۳۹۲ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۳). (عکس سازمان ملل متحد)

۱. عمل به وعده‌ها: «یک نقشه راه حقوق بشری برای حسن روحانی» گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، ۱۱ اوت ۲۰۱۳

۲. ایران: رئیس جمهور جدید باید به وعده‌های حقوق بشر عمل کند، بیانیه مطبوعاتی عفو بین‌الملل در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۳

خود به شورای حقوق بشر این سازمان به ویژه به وعده‌های حسن روحانی، رئیس جمهوری جدید ایران، درباره آن منشور اشاره کرد.

بنا به گزارش آقای بان، «رئیس جمهوری اسلامی ایران طی کارزار (کمپین) انتخاباتی خود تعهدات نویدبخشی برای رسیدگی به نگرانی‌های جدی در عرصه حقوق بشر داد که در آن میان می‌توان از جمله به تدوین منشور حقوق شهروندی، رفع تبعیض علیه زنان و اقلیت‌های قومی، ترویج آزادی بیان و کاهش سانسور اشاره کرد».^۳

در ۵ آذر ۱۳۹۲ (۲۶ نوامبر ۲۰۱۳)، پیش‌نویسی از این منشور در تارنمای رسمی رئیس جمهوری اسلامی ایران منتشر شد.^۴

پژوهشگران قوانین حقوق بشر بین‌الملل، تقریباً بلافاصله بر چندین کاستی این منشور انگشت گذارند. به طور کلی می‌توان گفت که این منشور منشوری مبهم بود و شرط‌ها و موادی را در بر می‌گرفت که مفهوم مشخص و دقیقی نداشتند و این امر اثر آن را به شدت محدود می‌کرد. یکی از ایرادهای این منشور، منوط و مشروط کردن حقوق شهروندی به «توجه به تعالیم دین مبین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» بود.^۵

علی‌الخصوص این که در مواد مربوط به اقلیت‌های دینی در این منشور از «کنار گذاشته شدن بهائیان از اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی»، پدیده‌ای که منشاء کلیه تبعیض‌ها و سرکوب‌های بهائیان است، هیچ‌ذکری به میان نیامده است.^۶

احمد شهید، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران، در گزارش اخیر خود به شورای حقوق بشر با این جملات به این کمبود اشاره کرد:

پیش‌نویس کنونی منشور رسیدگی به قوانین و سیاست‌هایی که علیه اقلیت‌های دینی از جمله بهائیان تبعیض قائل می‌شود را نادیده گرفته و تبعیض علیه زنان را به عنوان مثال در مورد انتقال حق شهروندی به فرزندان شان تقویت می‌کند.^۷

در جهان امروز، انزیت و آزار بهائیان ایران از جمله بارزترین نمونه‌های تبعیض دینی آن هم تحت حمایت یک دولت است. حسن روحانی، رئیس جمهوری جدید ایران، با پایان دادن به این سیاست می‌تواند با صدایی رسا و بدون ابهام تعهد واقعی خود به حقوق بشر را نشان دهد.

۳. UN Document A/HRC/25/75 “Report of the Secretary-General on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran.” Page 3

۴. <http://president.ir/fa/72975>

۵. ترجمه نازیلا قانع، «منشور حقوق شهروندی ایران»، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳، وبلاگ مجله اروپایی قوانین بین‌الملل

<http://www.ejiltalk.org/the-iranian-charter-of-citizens-rights/>

۶. قانون اساسی ایران به صراحت اسلام را «دین رسمی» ایران می‌شناسد و اظهار می‌دارد که ایرانیان زرتشتی، یهودی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده هستند

UN Document A/HRC/25/61 “Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran.” Page 6

۳) وعده‌های تحقق نیافته ایران و وضعیت کنونی بهائیان

از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) اذیت و آزار بهائیان ایران بدون هیچ کاهشی ادامه یافته و تا حدودی شدت نیز گرفته است. تعداد بهائینی که در زندان به سر می‌برند نه تنها کاهش نیافته، بلکه رو به افزایش نیز بوده است. اعضای این جامعه با دستگیری‌ها و بازداشت‌های مکرر در خانه‌های خود روبرو بوده‌اند؛ ظاهراً هدف اصلی این اقدامات ایدئولوژیک علیه جامعه بهائی، بازداشتن آنان از برخورداری از هر نوع احساس امنیت یا توانایی برنامه‌ریزی برای آینده است. رسانه‌های تحت کنترل حکومت کماکان به تبلیغات ضد بهائی اقدام می‌کنند و این کار اخیراً شدت نیز یافته است. بهائیان جوان همچنان از ورود و حضور آزادانه در دانشگاه منع می‌شوند. امری که سبب محرومیت هزاران نفر از دسترسی به تحصیلات دانشگاهی شده است. کسبه بهائی همچنان با تعطیلی خودسرانه محل کسب و اقدامات دیگری که با هدف سرکوب اقتصادی انجام می‌شود روبرو هستند. کسانی که به بهائیان حمله می‌کنند، همچنان از مصونیت برخوردارند و با هیچ تهدیدی در رابطه با تحت پیگرد قرار گرفتن روبرو نیستند. اسناد سیاسی رسمی که گستره و ماهیت این اذیت و آزار را ترسیم می‌کنند، فسخ، بازبینی یا دستخوش تغییر نبوده‌اند.

این موارد نقض حقوق بشر مخالف قوانین بین‌المللی و نیز تعهدات متعدد ایران در چهارچوب بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) است. در این فصل، اطلاعات "به روزی" از وضعیت بهائیان ایران ارائه کرده و به ویژه نشان خواهیم داد که ایران چگونه به نحوی تمام و کمال از عمل به تعهداتی که داده و بر رفتار با بهائیان تأثیر دارند، خودداری کرده است.

توصیه‌های بررسی جهانی ادواری
که توسط ایران پذیرفته شد

۲. متابعت کامل از تعهدات حقوق بشر بین‌المللی که ایران به آن‌ها متعهد است (نیوزیلند)؛

زندان

در زمان نوشتن این گزارش بیش از ۱۰۰ بهائی در ایران صرفاً به خاطر باورهای دینی شان زندانی هستند. این به زندان انداختن های غیرقانونی، علاوه بر نقض تعهدات داده شده ایران مبنی بر پذیرفتن توصیه‌های مربوط به تأمین آزادی دین (۹، ۴۸، ۴۹، ۳۳، ۱۰۳)، توصیه‌های مورد توافق درباره رعایت روند قانونی مقتضی در دادرسی‌ها (۴۶) را نیز نقض می‌کنند. علاوه بر آن، چون بسیاری از بهائیان بدون دسترسی مناسب به امکانات ورزشی و بهداشتی یا در شرایطی که به مراتب پایین‌تر از حد استاندارد است در زندان‌ها یا بازداشتگاه‌ها نگه داشته شده یا می‌شوند، این احکام غیرقانونی زندان توصیه‌های پذیرفته شده درباره نحوه رفتار با بازداشت‌شدگان (۴۴) را نیز نقض می‌کنند.

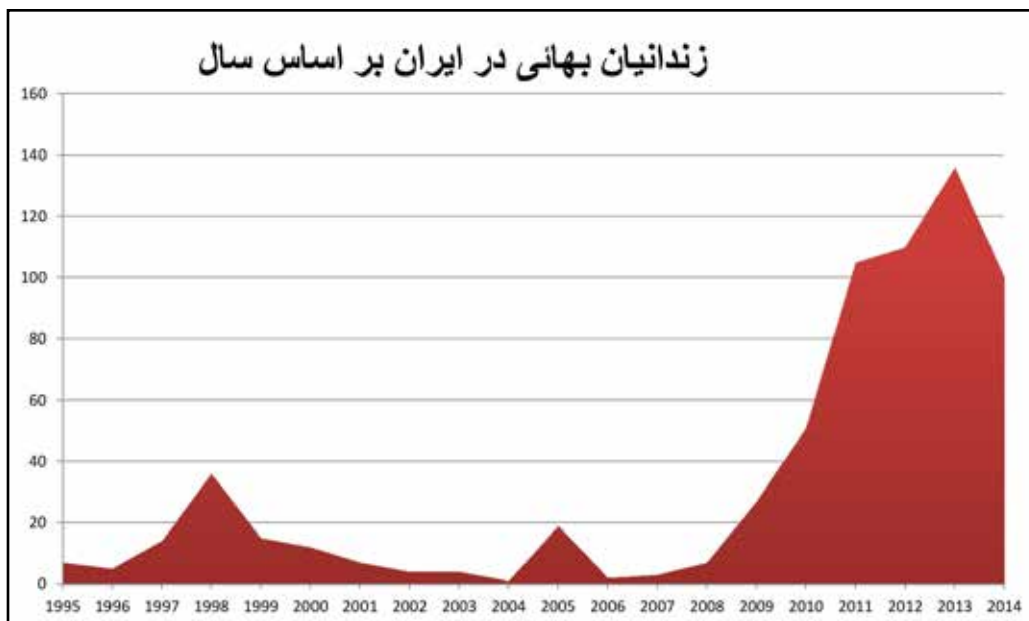
در پایان سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰)، ۵۲ بهائی در ایران زندانی بودند. تا پاییز سال ۱۳۹۰ (پایان سال ۲۰۱۱) این رقم به ۹۷ رسیده بود. تا آذر ۱۳۹۱ (دسامبر ۲۰۱۲)، ۱۱۶ بهائی زندانی بودند. و در پاییز سال ۱۳۹۲ (پایان سال ۲۰۱۳)، ۱۳۶ بهائی در زندان به سر می‌بردند.

مشهورترین این زندانیان هفت مدیر پیشین جامعه بهائیان ایران هستند که در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) دستگیر و بدون اتهام یا دسترسی به وکیل نزدیک به یک سال محبوس بودند. دوره ای که تقریباً نیمی از آن در سلول های انفرادی سپری شد. در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) در دادگاهی غیرعلنی محاکمه شدند و به اتهامات واهی «جاسوسی» یا «اخلال در امنیت ملی» احکام ۲۰ ساله زندان دریافت کردند. این هفت نفر به نام‌های بهروز توکلی، وحید تیزفهم، مهوش ثابت، جمال‌الدین خانجانی، سعید رضائی، فریبا کمال‌آبادی و عقیق نعیمی هنوز زندانی هستند و احکام ۲۰ ساله آنها طولانی‌ترین حکم داده شده در سال های اخیر میان صدها حکم صادره برای زندانیان عقیدتی در زندان‌های ایران بوده است. ویژگی های پرونده آنها در فصل بعد به صورت کامل تری بررسی خواهد شد. فصل بعدی به بحث مفصل تری درباره سه توصیه پذیرفته‌شده در روند بررسی ادواری جهانی که به طور خاص به برخورد نظام قضائی با آنان مربوط است می‌پردازد. توصیه‌هایی که ایران

۴۶. حصول اطمینان در قانون و در عمل، از این که همه ضمانت های مربوط به رعایت تشریفات قانونی لازم، به گونه ای که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تعیین شده، از جمله قاعده اصل برائت و درستی، واجتناب از تحمیل هر مجازاتی برای اعمال حقوق دیگری که براساس این میثاق به رسمیت شناخته شده، مانند آزادی بیان و حق اجتماعات و گردهمایی (مکزیک)؛

۴۴. تضمین این که با بازداشت شدگان به درستی و براساس ضوابط بین المللی رفتار شود و در باره هرگونه تخطی از این ضوابط به درستی تحقیق به عمل آید (استونی)؛

تعداد بهانیان زندانی در ایران از زمان بررسی جهانی دوره‌ای سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به شدت افزایش یافته و در ۱۳۹۲ (پایان ۲۰۱۳) به حداکثر ۱۳۶ نفر رسید. در زمان نوشتن این گزارش، بر اساس بهترین اطلاعات موجود، تقریباً ۱۰۰ نفر در زندان هستند.



توصیه‌های بررسی جهانی ادواری که توسط ایران پذیرفته شد

مانند موارد دیگر از پایبندی به آنها خودداری کرده است.

به هر حال، ماجرای این هفت زندانی نشان دهنده وضعیتی است که همه حدود صد و چند بهائی دیگر که در زمان نوشتن این گزارش زندانی‌اند، با آن روبرو هستند. همه این بهانیان که اکنون زندانی‌اند (یا طی چهار سال اخیر زندانی و آزاد شده‌اند) مانند هفت مدیری که در سطح ملی خدمت می‌کردند قربانی دستگیری خودسرانه، بازداشت غیرقانونی، محاکمه‌های ناعادلانه و به بیان ساده تر زندان غیرقانونی با اتهامات واهی جاسوسی، یا "تبلیغ علیه نظام" شده‌اند حال آن که در واقع باورهای دینی‌شان انگیزه تمامی این مصائب است.

خسونت، شکنجه و بدرفتاری تحت بازجویی

از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا زمان حاضر، جامعه جهانی بهائی توانسته حداقل ۴۶ مورد شامل شکنجه، رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز با بهانیان تحت بازداشت و کنترل حکومت را مستند به سند سازد. این موارد البته نه تنها ناقض قوانین بین‌المللی هستند، بلکه توصیه‌هایی را نیز که ایران درباره عدم توسل به شکنجه پذیرفته (۴۱)، ۴۳، ۴۴، ۱۰۵ نقض می‌کنند.

موارد یادشده از توهین حین دستگیری یا بازداشت تا ضرب و شتم آشکار در زندان و استفاده از زندان افرادی را که عمدتاً ظالمانه و غیرانسانی تعریف می‌شود در برمی‌گیرد. همچنین بهانیان بسیاری طی بازداشت، گاه تا سه ماه، بدون ارتباط با بیرون نگه داشته شده یا در سلول انفرادی محبوس بوده‌اند. در مورد هفت مدیر پیشین جامعه بهائی، دوره اولیه زندان انفرادی حداقل شش ماه به طول انجامید. از دو زن بهائی که در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) در مشهد دستگیر شدند، یک نفر به مدت شش ماه و دیگری بیش از ۱۰۰ روز را در زندان انفرادی گذراندند. در گزارشی درباره صدور حکم برای بیست بهائی در یزد حوالی فروردین ۱۳۹۳ (آوریل ۲۰۱۴)، مشخص است که حداقل پنج نفر به مدت‌هایی بین پنج تا بیست و هفت روز را در زندان انفرادی سپری کرده‌اند.

برخی از رویدادهای دوره مورد بررسی شامل موارد زیر هستند:

مهرماه ۱۳۹۱ (اکتبر ۲۰۱۲) یک بهائی که در اداره گزنامه در کرج دستگیر شده بود، به ستاد مرکزی

۴۱. اتخاذ تدابیری برای تضمین این امر که هیچ شکنجه یا سایر رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز اعمال نشود (هلند)؛

۴۲. انجام اقدامات بیشتر برای حذف شکنجه و سایر شکل‌های بد رفتاری، و تضمین وجود نظام قضائی موثر و بیطرف (دانمارک)؛

۴۳. رعایت حقوق بشر زندانیان و بازداشت شدگان، و تحقیق درباره هر بد رفتاری احتمالی و توقف آن (ایرلند)؛

۱۰۵. تضمین این که نهادهای صالحه درباره ادعاهای شکنجه، ناپدید شدن اجباری و بازداشت مخفی تحقیق و تفحص کنند، و اشخاص مسئول این اعمال مجازات شوند، و برنامه‌هایی برای ارائه خسارت به قربانیان تهیه و تدوین شود (شیلی)؛

دفتر نظارت بر اماکن عمومی منتقل شد و در طبقه سوم زیرزمین در زندان انفرادی نگه داشته شد. او در اولین جلسه بازجویی مدام با شلنگ مورد ضرب و شتم قرار می گرفت. طی دو جلسه بعدی، در حالی که روی صندلی فلزینشسته بود، مکرر روی او آب یخ ریختند تا آنجا که هوشیاری خود را از دست داد.

طی یورشی به منزل یک خانواده بهائی در تیر ۱۳۹۰ (ژوئیه ۲۰۱۱) در اصفهان در حالی که ۱۵ نفر در یک جلسه دینی بودند، ده مأمور از وزارت اطلاعات شروع به فیلمبرداری از کل خانه، از جمله همه حاضران کردند. وقتی صاحبان خانه از هدف بازرسی و فیلم برداری سؤال کردند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. آنها دستگیر و به مدت یک ماه در بازداشت نگه داشته شدند. طی بازداشت با چشمان بسته مورد بازجویی قرار گرفتند و تحت فشار روانی شدید بودند.

یک بهائی در تیر ۱۳۹۰ (ژوئیه ۲۰۱۱) از زندان اصفهان به سلولی انفرادی در زندان اوین منتقل شد. در آنجا طی چهار روز بازجویی، در تلاشی برای مجبور کردن او به امضای یک اعتراف دروغین مبنی بر این که علیه نظام عمل کرده و یک شبکه هرزه نگاری را سازماندهی کرده، وی را به شدت مورد ضرب و شتم و توهین های لفظی قرار دادند. بازجویان در چهارچوب نوعی شکنجه روانی همچنین او را تهدید کردند که بلاهائی "غیر قابل تصور" بر سر مادر، خواهر و همسر او خواهند آورد.

دستگیری ها و بازداشت خودسرانه

بهائیان از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا کنون با دستگیری و بازداشت به شیوه های خودسرانه و ناعادلانه روبرو هستند که ظاهراً هدف از توسل به این شیوه گرفتن هر گونه احساس امنیت و امید به داشتن یک زندگی جمعی معمولی از آنان است. این دستگیری ها و بازداشت های توأم با آن ها نه تنها نقض توصیه های پذیرفته شده درباره آزادی و عدم تبعیض دینی است، بلکه توصیه های مربوط به حقوق بازداشت شدگان (۴۳#) و روند قانونی مقتضی در محاکمات (۴۶#) را نیز نقض می کند.

از بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به این سو، بیش از ۴۴۰ بهائی در ایران دستگیر شده اند. همان طور که در نمودار صفحه بعد نشان داده شده است این بازداشت ها افزایش قابل توجهی نسبت به سال های پیش داشته اند. بیشتر این دستگیری ها و بازداشت ها از الگوی مشابهی پیروی می کنند: عاملان وزارت اطلاعات به خانه بهائیان می روند، املاک آنها را بازرسی می کنند، اقلامی مانند کامپیوترها و کتاب ها را ضبط می کنند و سپس خود آنان را دستگیر می کنند.

برخی از رویدادهای سال های ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) شامل موارد زیر است:

در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۹ (۲۷ آوریل ۲۰۱۰)، مأموران وزارت اطلاعات به خانه های چهار بهائی در همدان رفته و در ابتدا ادعا کردند که از دفتر خدمات پستی آمده اند. آنها هر یک از خانه ها را بازرسی کرده و علاوه بر مایملک شخصی شامل تلفن های همراه و کامپیوتر، کتب و دیگر اشیاء مرتبط با باورهای دینی بهائی را نیز ضبط کردند. پنج نفر دستگیر و برای بازجویی به دفتر اطلاعات محل برده شدند. یک نفر روز بعد آزاد شد؛ چهار نفر دیگر دو روز بعد آزاد شدند.

در ۲۵ آذر ۱۳۹۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)، مأموران وزارت اطلاعات در کرج به جلسه ای که درباره ازدواج و زندگی خانوادگی برای جوانان سازماندهی شده بود یورش بردند. آنها از شرکت کنندگان فیلمبرداری کردند و ۱۶ نفر، از جمله صاحبان خانه را دستگیر و با مینی بوسی که برای این منظور آورده شده بود به مکانی دیگر منتقل کردند. همه جز سه نفر تا نیمه شب آزاد شدند. سه نفر باقیمانده به مدت های سه روز تا چند هفته در بازداشت بودند.

توصیه های بررسی جهانی ادواری که توسط ایران پذیرفته شد

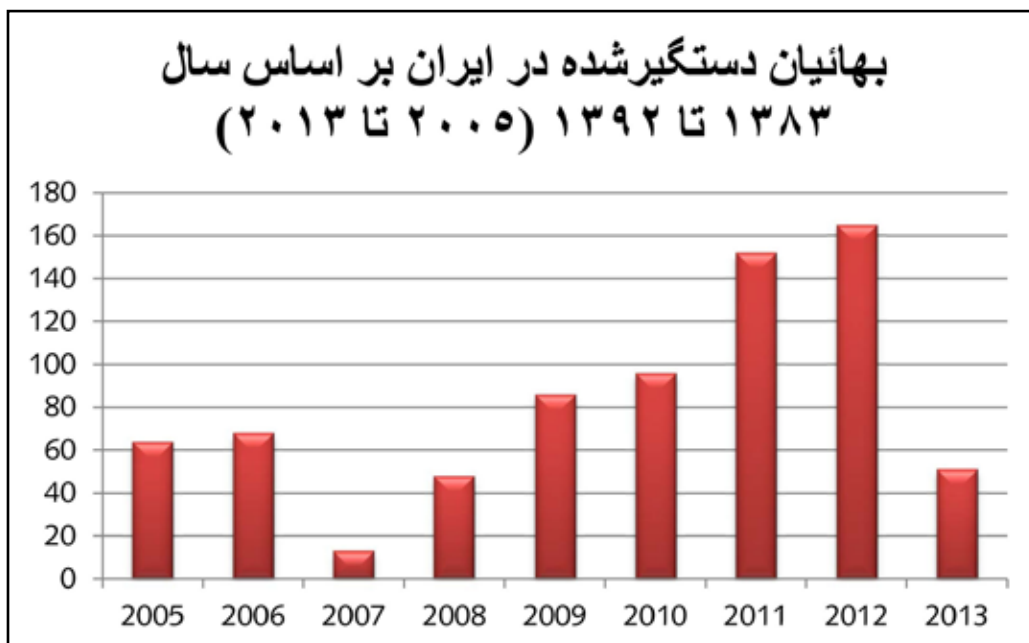
۴۳. رعایت حقوق بشر زندانیان و بازداشت شدگان، و تحقیق درباره هر بدرفتاری احتمالی و توقف آنی آن (ایرلند)؛

۴۶. حصول اطمینان در قانون و در عمل، از این که همه ضمانت های مربوط به رعایت تشریفات قانونی لازم، به گونه ای که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تعیین شده، از جمله قاعده اصل برائت و درستی، و اجتناب از تحمیل هر مجازاتی برای اعمال حقوق دیگری که براساس این میثاق به رسمیت شناخته شده، مانند آزادی بیان و حق اجتماعات و گردهمایی (مکزیک)؛

یک زن بهائی در ۲۴ دی ۱۳۹۱ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۳) در بابل دستگیر ولی به قید وثیقه آزاد شد. او سوم مهر ۱۳۹۲ (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳) با ده اتهام زیر عنوان "تبلیغ علیه نظام از طریق تبلیغ دیانت بهائی" ، اتهامی که معمولاً علیه بهائیان دستگیر شده مطرح می‌شود، محاکمه شد. یکی از اتهامات او برگزاری جلسات یادبود و تلاوت نماز میت برای فرد درگذشته در مراسم خاکسپاری بهائی بود که نشان می‌دهد چنین دستگیری‌ها و محاکمه‌هایی تا چه حد آشکارا با مراسم عبادی بهائیان و اجرای مناسک دینی‌شان مرتبط است.

در شهریور/مهر ۱۳۹۲ (سپتامبر ۲۰۱۳)، مأموران به خانه‌های سه بهائی در تنکابن یورش بردند و آنها را دستگیر کرده و ابتدا به اداره اطلاعات انتقال دادند. اعضای خانواده‌های آنها که سعی در پیگیری مسئله و آگاهی از محل نگهداری آنها داشتند، هدف حمله با اسب‌ری فل فل قرار گرفتند.

تعداد بهائیان زندانی در ایران از زمان بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به شدت افزایش یافته و در ۱۳۹۲ (پایان ۲۰۱۳) به حداکثر ۱۳۶ نفر رسید. در زمان نوشتن این گزارش، بر اساس بهترین اطلاعات موجود، تقریباً ۱۰۰ نفر در زندان هستند.



نفرت پراکنی

حکومت ایران در سال‌های اخیر کارزار (کمپین) نفرت‌پراکنی گسترده‌ای را در رسانه‌های تحت کنترل خود علیه بهائیان ایران به راه انداخته است. این کارزار که ظاهراً به خوبی مستندسازی شده، بهائیان را به عنوان منبع هر شرّ قابل تصویری تصویر کرده است. بهائیان متهم اند که عامل بیگانه یا امپریالیسم یا فرقه ای استعماری هستند. با ادعاهای همیشگی اما کاملاً بی‌اساس غیراخلاقی بودن روبرو بوده و به آنان برچسب نجس بودن زده و دیگران را از معاشرت با آنان برحذر داشته اند.

توصیه‌های بررسی جهانی ادواری
که توسط ایران پذیرفته شد

در جریان بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰)، ایران توصیه‌ای از لوکز امبورگ (#۱۱۹) را مبنی بر این که «کسانی را که در محافل و مجامع دینی، رسانه‌ها و اینترنت علیه آنان نفرت‌پراکنی می‌کنند تحت پیگرد قانونی قرار دهد» پذیرفت.

با این حال تا به امروز، به یقین می‌توان اعلام کرد، هیچ کس برای انتشار تبلیغات ضد بهائی تحت پیگرد قرار نگرفته و حکومت پس از بررسی ادواری جهانی ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) نیز همچنان به تبلیغات ضد بهائی در رسانه‌های خبری رسمی اجازه داده است. سیاستی که در دولت رئیس جمهوری جدید یعنی آقای روحانی هم ادامه داشته است.

البته که این کارزار مخالف قوانین بین‌المللی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز در بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به اجرای آن متعهد شده، به صراحت مقرر می‌دارد که:

” هر گونه پشتیبانی از نفرت پراکنی ملی، نژادی یا دینی که محرک تبعیض دشمنی یا خشونت است، باید به موجب قانون منع شود.“

تبلیغات ضد بهائی به عنوان یکی از مشخصات سرکوب

تبلیغات دروغین و نفرت‌انگیز علیه بهائیان از ویژگی‌های کارزار عمومی حکومت برای سرکوب بهائیان در دراز مدت بوده است. این تبلیغات از اولین روزهای جمهوری اسلامی ایران، از طریق مجاری (کانال‌های) حکومتی منتشر شده است. برای مثال، مقالات روزنامه‌ها در اواخر دهه پنجاه تا دهه شصت (دهه ۱۹۸۰ میلادی) که اعدام بهائیان را خبر می‌دادند، اعلام می‌کردند که آنها «به خاطر خیانت به مردم مسلمان ایران» و «جاسوسی» کشته شده‌اند.

در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰ (۲۰۱۱)، جامعه جهانی بهائی حدود ۴۰۰ مورد از تبلیغات ضد بهائی را که در رسانه‌های تحت کنترل حکومت یا طرفدار حکومت، طی ۱۶ ماه، از پاییز ۱۳۸۸ تا بهار ۱۳۹۰ (اواخر سال ۲۰۰۹ تا اوایل ۲۰۱۱) منتشر شده بود، ضبط و تحلیل کرد.^۷ بسیاری از مقالاتی که جزئیاتشان در آن گزارش آمده، پس از زمانی منتشر شدند که ایران توصیه لوکز امبورگ در بررسی ادواری جهانی را پذیرفت.

در واقع دوروی دولت ایران در برخورد با این مسأله ناشی از این حقیقت است که این کارزار از بالاترین سطح رهبری ایران سرچشمه می‌گیرد. در مهر ۱۳۸۹ (اکتبر ۲۰۱۰)، آیت‌الله علی خامنه‌ای- رهبر جمهوری اسلامی- در قم در یک سخنرانی بهائیان را «دشمنان انقلاب اسلامی» خواند. خود این سخنرانی و پوشش خبری آن در سطحی وسیع، توسط رسانه‌ها در سراسر کشور در عین حال با انتشار مقالات ضد بهائی دیگری که اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای درباره بهائیان را منعکس می‌کرد همراه شد.

عناصر دیگر این کارزار بهائیان را به عنوان عاملان بیگانه تصویر کرده‌اند. رسانه‌های حکومتی به ویژه همواره تلاش کرده اند بهائیان را با اسرائیل و صهیونیسم مرتبط سازند.

۷. برانگیختن نفرت: کمپین رسانه‌ای ایران برای پلید جلوه دادن بهائیان. جامعه جهانی بهائی، مهر ۱۳۹۰

<http://www.bic.org/sites/default/files/pdf/Semnan%20Report-Persian-website.pdf>

برای مثال، طی یک دوره ۱۶ ماهه از پاییز ۱۳۸۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۰ (اواخر ۲۰۰۹ تا مه ۲۰۱۱)، این اتهام که بهائیان صهیونیست یا عاملان اسرائیل هستند در بیش از ۷۵ مقاله یا خبر مطرح شد.

۱۳۹۰ (ژانویه ۲۰۱۱)، شبکه خبر رسمی صدا و سیما سه قسمت از مجموعه طولانی رازهای آرمادگون را - که به تئوری های توطئه گوناگون درباره اسرائیل مربوط بود- با تمرکز بر آئین بهائی پخش کرد. در این سه قسمت در میان دیگر مطالب از جمله بر این تأکید می شد که «فرقه ضاله بهائی» در رژیم شاهنشاهی به عنوان یکی از بازوان صهیونیسم بین المللی عمل می کرد تا به گونه ای نظام مند (سیستماتیک) در عرصه های سیاسی، نظامی و فرهنگی رژیم شاه تأثیر بگذارد و ایران را به اسرائیل دوم تبدیل کند. چنین تبلیغات تحریک کننده ای امروز هم کاهش نیافته است.

قتل با انگیزه دینی

خانواده عطاءالله رضوانی، یکی از بهائیان سرشناس بندرعباس، از بازنگشتن او به خانه در یکی از شب های آغازین شهریور ۱۳۹۲ (اوت ۲۰۱۳) نگران می شوند. جستجوها مهر تاییدی بر وحشتناک ترین ترس آنان می زند. جسد وی در اتومبیلش در نزدیکی ایستگاه راه آهن در حومه بندرعباس، واقع در جنوب غربی ایران، پیدا می شود. او از پشت سر هدف گلوله قرار گرفته بود.

با وجود درخواست های متعدد برای یک بررسی کامل، هیچ کس تا به حال در ارتباط با این جنایت که بنا به همه شواهد با انگیزه نفرت دینی صورت گرفته، به پای میز محاکمه کشانده نشده است.

آقای رضوانی، ۵۴ ساله، بسیار محبوب و مورد احترام همگان بود. او نیز به سهم خود، با تبعیض مبتنی بر عقایدش روبرو بوده است. در جوانی، به خاطر بهائی بودن در میانه تحصیلات خود در رشته مهندسی از دانشگاه اخراج شد. با این حال در تصفیه آب، کارشناس به حساب می آمد و فعالیت های حرفه ای او را به شهرهای دیگری نیز کشاند.

در ماه های پیش از کشته شدن به خاطر فشار و تهدیدهای مأموران وزارت اطلاعات، از شغل خود اخراج و مجبور شد به فروش تجهیزات تصفیه آب روی آورد. این مأموران همچنین او را برای ترک شهر در فشار قرار داده بودند و پیش از گشته شدن بارها تلفنی تهدید شده بود.

وقوع این حادثه و درگذشت آقای رضوانی بر بستری از خطبه های ضد بهائی که روحانیون ارشد محلی در بندرعباس ایراد می کردند صورت گرفت. قتل وی درست چند هفته پس از انتشار مجدد یک فتوای قدیمی از آیت الله خامنه ای، در رسانه های خبری ایرانی رخ داد، فتوایی که به آئین بهائی برچسب یک «فرقه انحرافی و ضاله» را می زد که باید از اعضای آن دوری کرد.

خودداری ایران از عمل به تعهدات حقوق بشری اش را می توان به طور مستقیم با قتل او در ارتباط دانست. با دادن اجازه ایراد سخنانی های مبتنی بر نفرت پراکنی هدفمند، با فشار مستقیم بر او به ترک شهر، با مجبور کردن او به ترک شغلش، حتی با اخراج وی از تحصیلاتش، زندگی او تصویری از اتفاقی است که در اثر متحقق نشدن تعهدات حقوق بشری ایران رخ می دهد. خانواده او حتی پس از مرگش از این رنج خواهند برد که قاتل یا قاتلانش هرگز به دادگاه کشانده نخواهند شد.



عطاءالله رضوانی

در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲ (۲۰۱۳)، رسانه‌ها به پخش مطالب ضد بهائی، مطالبی که در بالاترین سطوح حکومت مطرح می‌شد، ادامه دادند. به عنوان مثال، مقاله‌ای که در ۷ مرداد ۱۳۹۲ (۲۹ ژوئیه ۲۰۱۳) در یک خبرگزاری هم سو با دولت به نام «تسنیم» منتشر شد، گزیده‌ای طولانی از فتوای آیت الله خامنه‌ای - رهبر جمهوری اسلامی - را نقل می‌کرد.

یکی از فتوای جدید موردی بود که پیش‌تر منتشر شده بود. در این فتوا از آیت‌الله خامنه‌ای نقل قول می‌شود که ایرانیان باید از معاشرت با بهائیان خودداری کنند:

همه پیروان فرقه گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند و در صورت تماس آنها با چیزی، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آنها [...] برای مسلمانان واجب است...

همه مؤمنین باید با حیل‌ها و مفساد فرقه ضالّه بهائیت مقابله [نمایند] ...

آنها نجس و دشمن دین و ایمان شما هستند، پس فرزندان عزیزم جدا از آنها بپرهیزید.^۸

انتشار یکی از این استفتانات از رهبر - که تسنیم آن را به اشتباه فتوای تازه‌ای معرفی کرده - به ویژه از این نظر نگران‌کننده است، که این کار درست یک روز پیش، از تحلیف رئیس‌جمهور جدید ایران، آقای حسن روحانی صورت گرفت.

کمی پس از آن، در آبان ۱۳۹۲ (نوامبر ۲۰۱۳)، مجموعه‌ای از پیام‌های آزاردهنده با هدف القای ترس از جامعه بهائی در فیس‌بوک قرار داده شد. این پیام‌ها شامل عناوینی چون «آگاه باشید، قاتلان بهائی در شهر شما و در مدرسه کودکان شما هستند، تا کاملاً حذف نشوند، شما در خطر هستید» بود. افزون بر این، دروغ‌های فاحشی را در قالب عکس و طرح‌هایی مخوف از قتل یک زوج نشان می‌دادند که عنوانش چنین بود: «بهائیان به خاطر بروز اختلالی که در جلسه اطلاعاتی شان روی داد، مرتکب قتل‌های وحشیانه شدند».^۹



عکس بالا در مقاله‌ای ضد بهائی که در اردیبهشت/تیر ۱۳۹۳ (مه ۲۰۱۴) در یک تارنمای مورد تأیید حکومت چاپ شد استفاده شد. کلمه «بهائیت» در کنار ستاره داوود یهودیان و یک شیخ غول‌مانند است. این مقاله یکی از بیش از ۳۶۵ مقاله‌ای است که تنها در آن ماه به چاپ رسید.

در آذر/دی ۱۳۹۲ (دسامبر ۲۰۱۳)، نهادهای حکومتی ایران کارزار خود علیه بهائیان را شدت بخشیدند. یک مستند شش قسمتی جدید در کانال ۶ شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران به نام دیدار با تاریکی پخش شد. توصیف این مستند در تارنمای آن به مضمون زیر است:

دیدار با تاریکی به بررسی ارتباط بین فرقه ضالّه بهائیت و اسرائیل، و نفوذ بهائیان بر خانواده منحوس پهلوی می‌پردازد

^۸. <http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?uid=2&tid=13>

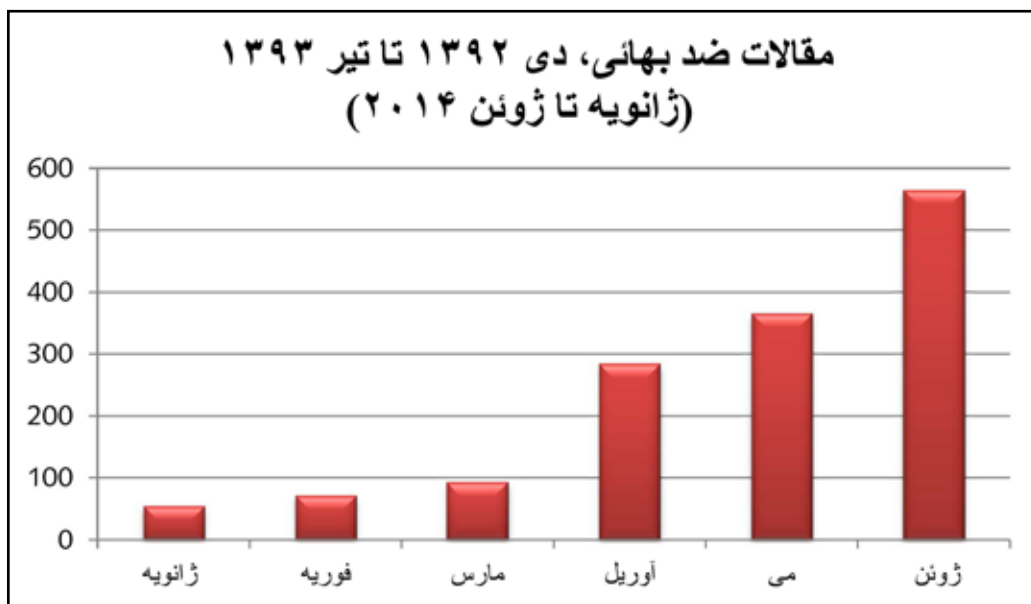
این فتوا که در صفحه رسمی آیت خامنه‌ای منتشر شده بود از آن زمان از آن وبسایت برداشته شده ولی در وب سایت «ضد بهائیت» قابل دسترسی است <http://zedbahaeyat.blogfa.com/post/104>

^۹. فیس‌بوک از آن زمان آن صفحه را به خاطر محتوای نامناسب و خطرناک حذف کرده است

اولین قسمت این مستند در هفته سوم آذر (هفته دوم دسامبر)، پس از اخبار ۸ شب روی آنتن رفت. تیزر تبلیغاتی این مستند با صحبت یک روحانی شروع می‌شود که اظهار می‌دارد: «حامیان شاه همه بهائی بودند.» سپس همزمان با پخش یک موسیقی ترسناک و سیاه در پس زمینه، عکس‌هایی از پیامبر و بنیانگذار این آئین و اولین بهائیان نشان داده می‌شود.^{۱۰}

افزون بر این، در اواخر سال ۱۳۹۲ و اوایل ۱۳۹۳ (نیمه اول سال ۲۰۱۴)، میزان تبلیغات ضد بهائی به شکل قابل توجهی افزایش یافت. جامعه جهانی بهائی حداقل ۵۵ مقاله ضد بهائی در تارنماهای ایرانی را دی-بهمن ماه (ژانویه)، ۷۲ مقاله در بهمن- اسفند (فوریه)، ۹۳ مقاله از اسفند- فروردین (مارس)، ۲۸۵ مقاله را در فروردین- اردیبهشت (آوریل)، ۳۶۶ مقاله از اردیبهشت- خرداد ماه (مه)، و بالاخره ۵۶۵ مقاله را از خرداد- تیر (ژوئن) فهرست کرده است.

تعداد مقالات ضد بهائی در رسانه‌های رسمی یا نیمه رسمی ایران در سال ۲۰۱۴، طی افزایشی شدید از ۵۵ در ژانویه به ۵۶۵ در ژوئن رسید



تبعض در آموزش عالی

تلاش مستمر ایران در محروم کردن جوانان بهائی از دسترسی به آموزش عالی، با پذیرش توصیه‌هایی درباره آزادی دین (۴۸، ۵۰، ۱۰۳) و حفاظت از اقلیت‌های دینی (۴۹، ۱۱۷) از سوی این کشور آشکارا در تضاد و تناقض است. سیاست‌های آموزشی ایران درباره بهائیان همچنین مخالف توصیه قطر مبنی بر «تشویق تلاش‌ها برای تضمین فرصت‌های بیشتر به منظور دستیابی به آموزش عالی» (۲۲) است که ایران آن را پذیرفت.

علاوه بر این، محروم کردن بهائیان از آموزش عالی وعده‌های ایران در زمینه توصیه‌های پذیرفته‌شده مربوط به تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۵، ۶، ۷، ۲۱، ۶۱) را که شامل حق تحصیل می‌شوند، نقض می‌کند. به عنوان مثال، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به روشنی اظهار می‌دارد که «تحصیلات عالیه به طور برابر در دسترس همه قرار گیرد.»

از زمان انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و پس از اخراج بهائیان از دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، آنان با موانع بزرگی برای دستیابی به آموزش عالی روبرو شده‌اند. در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳)، در پاسخ به فشارهای بین‌المللی در محکومیت

۱۰. http://roshangari.ir/index.php?option=com_jvideodirect&v=VuQ0apWM3sQI9 ۳ ژانویه ۲۰۱۴

توصیه‌های بررسی جهانی ادواری که توسط ایران پذیرفته شد

۲۲. ادامه اجرای تدابیری به منظور ترویج و حمایت بیشتر از حقوق کودکان، و تشویق تلاش‌ها برای تضمین فرصت‌های بیشتر به منظور دستیابی به آموزش عالی (قطر)؛

۴۹. اتخاذ همه تدابیر لازم برای تضمین حفظ و صیانت اقلیت‌های دینی، از جمله اجرای پیشنهادی مربوط به تامین مسکن مناسب و در خور شأن آنان که از سوی گزارشگر ویژه پس از دیدار ۲۰۰۶ وی مطرح شد (دانمارک)؛

۱۱۷. [ایران] اطمینان دهد که محاکمه هفت مدیر جامعه بهائی عادلانه و شفاف و مطابق با ضوابط بین‌المللی برگزار و قوانین تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها اصلاح می‌شوند (استرالیا)؛

سیاست‌های حکومتی مبنی بر منع دانشجویان بهائی از دسترسی به دانشگاه‌ها، مقامات پرسش‌نامه‌های آزمون ورودی دانشگاه‌ها را اصلاح کردند به گونه‌ای که بهائیان بدون آن که مجبور باشند دینشان را پنهان کنند، اجازه تحصیل داشته باشند. با این حال، بیشتر بهائیان همچنان از طریق یک برنامه کامپیوتری که معمولاً مدارک تقاضانامه آنها را دارای «نقص» می‌شناسد و نیز با اخراج موردی به محض محرز شدن هویت بهائی‌شان، در عمل از تحصیل در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های ایران محروم هستند.

علاوه بر این، این سیاست‌های اخراج و تبعیض در اسناد سیاست‌گذاری رسمی جمهوری اسلامی مدون شده‌اند. به عنوان نمونه از نامه محرمانه‌ای می‌توان یاد کرد که در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) از طرف حکومت خطاب به ۸۱ دانشگاه، با دستور اخراج بهائیان در صورتی که اعتقادات دینی‌شان مشخص شود، ارسال شده است.^{۱۱}

بهائیان متعددی که در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ (۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴) از دانشگاه‌ها اخراج شده‌اند، شاهی بر این مدعا هستند که این سیاست‌ها کماکان دنبال می‌شود. نمونه‌هایی چند از این موارد را بر می‌شمریم:

در فروردین/اردیبهشت ۱۳۹۲ (آوریل ۲۰۱۳)، بیان سکوتی، دانشجوی سال سوم با دیپلم کاردانی که در مقطع کارشناسی مهندسی عمران در دانشگاه بابل درس می‌خواند، پس از گذراندن ۵۹ واحد اخراج شد

در ۲۵ آذر ۱۳۹۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)، میثاق سلمان زاده نوش‌آبادی، دانشجوی فیزیک دانشگاه فنی خواجه نصیر طوسی در تهران، به خاطر بهائی بودن اخراج شد. او در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰/۲۰۱۱) پذیرفته شده و ۷۷ واحد را گذرانده بود.

در دی/بهمن ۱۳۹۲ (ژانویه ۲۰۱۳)، مشخص شد که از تکمیل ثبت‌نام الحان شادابی ساکن کرمانشاه بر غم قبولی او در آزمون ورودی سراسری دانشگاه‌ها و انتخاب رشته جلوگیری شده است. الحان شادابی هنگام دیدن نتایج آزمون خود به صورت آنلاین، پیغامی مبنی بر «نقص پرونده» اش دریافت کرد. وقتی مسئله را از طریق سازمان سنجش پیگیری کرد، به او گفته شد یک دانشجو به محض آن که مشخص شود بهائی است، اخراج خواهد شد. البته این نهاد از ارائه همین توضیح به صورت مکتوب خودداری کرد.

تبعیض در مدارس ابتدایی و راهنمایی

تبعیض در آموزش به دانش‌آموزان دبیرستانی و ابتدایی نیز تعمیم می‌یابد. جوانان بهائی در سنین دبیرستانی و ابتدایی، با وجود آن که مجاز به ثبت نام و حضور در مدرسه هستند، با اشکال گوناگون اذیت و آزار از سوی مدیران و معلمان مدرسه روبرو می‌شوند.

در اسفند/فروردین ۱۳۹۲ (مارس ۲۰۱۳) در سمنان، مأموران وزارت اطلاعات از دبیرستان‌های شهید بهشتی و امیرکبیر بازدید و چهار دانش‌آموز بهائی را بازداشت کردند. آنها چند ساعت درباره فعالیت‌های جامعه بهائی بازجویی شده و سپس آزاد شدند.

در بهمن/اسفند ۱۳۹۲ (فوریه ۲۰۱۳)، گزارشی درباره یک دانش‌آموز دبیرستانی در اصفهان دریافت شد که معلم او را مورد ضرب و شتم شدید و فحاشی قرار داده و به اعتقادات بهائی او توهین کرده بود. وقتی او و خانواده‌اش اعتراض کردند، معلم اظهار داشت که به خاطر مقام اداری پیشین خود در مدرسه‌ای در اصفهان و آشنائی او با

مؤسسه آموزش عالی بهائی

از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰)، حکومت همچنان به تلاش‌های خود برای تعطیل کردن مؤسسه آموزش عالی بهائی ادامه داده است.

این مؤسسه غیررسمی جامعه بهائی ایران از سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) فعال بوده و در اثر نیاز به ایجاد ابزاری برای ادامه تحصیل بهائیان جوان پس از پایان دوره دبیرستان به وجود آمد. این مؤسسه که از خدمات اساتید و کارمندان داوطلب استفاده می‌کند (اساتیدی که بسیاری از آنها اساتید بهائی بودند که در زمان انقلاب فرهنگی از دانشگاه‌های دولتی اخراج شدند)، آموزشی دانشگاهی از نوع مدارس مکاتبه‌ای در گستره وسیعی از رشته‌های تحصیلی ارائه می‌کند.

در مهر ۱۳۷۷ (اواخر سپتامبر و اوایل اکتبر ۱۹۹۸)، مأموران حکومت طی یورش‌هایی جمعی حداقل ۳۶ نفر از اساتید و کارمندان این مؤسسه را دستگیر و بسیاری از تجهیزات و بایگانی‌های آن را که در بیش از ۵۰۰ خانه قرار داشت توقیف کردند.

در پاسخ به این وضعیت، با کمک جامعه بین‌المللی تلاش‌های مؤسسه آموزش عالی بهائی به نحوی فزاینده به سوی فراهم کردن آموزش آنلاین سوق داده شد. با این حال، حکومت بارها اساتید و کارکنانی را که ساکن ایران هستند و پشتیبانی‌های لازم را از این نهاد می‌کنند، دستگیر کرده است.

در سال‌های پس از بررسی ادواری جهانی ایران در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰)، حکومت بارها با دستگیری و زندانی کردن مدیریت مؤسسه در ایران درصدد تعطیل کردن مؤسسه آموزش عالی بهائی برآمده است. در خرداد ۱۳۹۰ (مه ۲۰۱۱)، مأموران حکومت به حدود ۳۰ خانه در تهران، کرج، اصفهان و شیراز یورش بردند و ۱۶ نفر را که در پشتیبانی از مؤسسه شرکت داشتند دستگیر کردند. دوازده نفر از آنها سرانجام محاکمه شدند و برای آنها احکام چهار یا پنج ساله زندان صادر شد.

سخت‌گیری بر مؤسسه آموزش عالی بهائی ادامه دارد. در ۲۲ مرداد ۱۳۹۲ (۱۳ اوت ۲۰۱۳)، مأموران وزارت اطلاعات در مشهد به محل برگزاری یکی از امتحانات مؤسسه یورش بردند و دو دانشجو و فرد برگزارکننده امتحان را دستگیر کردند.

این افراد از جمله ۱۲ استاد بهائی هستند که به خاطر حمایت از مؤسسه آموزش عالی بهائی زندانی شده‌اند: محمود بادوام، رامین زیبایی، ریاض سبحانی، فرهاد صدقی؛ (ردیف پایین، از چپ به راست) نوشین خادم، کامران مرتضایی و کامران رحیمیان



توصیه‌های بررسی جهانی ادواری
که توسط ایران پذیرفته شد

سرکوب اقتصادی

اعضایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مأموران امنیتی شکایت‌های آنها راه به جانی نخواهد برد.

۵. ادامه تلاش‌ها برای حمایت از حقوق بشر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سودان)؛

حکومت به گونه‌ای نظام مند، با اعمال تبعیض در استخدام، تعطیل کردن مغازه‌ها و سازوکارهای اقتصادی دیگر، در صدد محروم کردن بهائیان از زندگی مناسب با شئون آنان بوده است. این تلاش برخی تعهداتی را که ایران در پی بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) مبنی بر ترویج و بهبود سابقه خود در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله توصیه‌های #۵، #۶، #۷، #۲۱ و #۶۱ پذیرفته است، نقض می‌کند.

۶. ادامه اتخاذ تدابیر نوآورانه برای تضمین این امر که سیاست‌گذاری‌های آن در زمینه توسعه امکان برخورداری کامل از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور را فراهم سازد (بولیوی)؛

در واقع فشار اقتصادی بر جامعه بهائی ایران از طریق محروم کردن شان از اشتغال و خودداری از صدور جواز کسب برای آنان کماکان شدید است. از سال‌های پس از انقلاب، بهائیان از مشاغل دولتی، نه تنها در ادارات بلکه زمینه‌های آموزش و قضا، محروم بوده‌اند و مسلمانان در بخش خصوصی نیز اغلب تحت فشار قرار می‌گیرند تا بهائیان تحت استخدام خود را اخراج کنند.

۷. افزایش تلاش‌ها برای حمایت بیشتر از حقوق اقتصادی و اجتماعی، و حقوق گروه‌های آسیب پذیر، از جمله زنان، کودکان و اشخاص دارای معلولیت (ویتنام)؛

در دوره مورد نظر، از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)، جامعه جهانی بهائی توانسته بیش از ۵۰ مورد را مستند سازد که مغازه‌ها و دیگر محل‌های کسب و کار بهائیان خودسرانه تعطیل شده یا آنان را از داشتن جواز کسب محروم کرده‌اند. این اقدامات به از بین رفتن بیش از ۲۰۰ شغل منجر شده است. رقم واقعی بدون شک بالاتر است، زیرا به خاطر دشواری در رساندن اطلاعات درباره موارد نقض حقوق بشر به خارج از کشور، همه رویدادها از ایران گزارش نمی‌شود.

بدیهی است که این نوع تبعیض و سرکوب اقتصادی ناقض پیمان‌های بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که حق کار «بدون تبعیض از هر نوع، مربوط به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان و دین» را برای همگان به رسمیت می‌شناسد.

۲۱. هماهنگی تلاش‌ها به روشی که از برخورداری موثر مردم از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حمایت، و موانع موجود در این راه را برطرف کند (جمهوری عربی لیبی)؛

شماری از رویدادهای اخیر در عرصه تبعیض یا سرکوب اقتصادی بهائیان در دوره مورد نظر شامل موارد زیر است:

در تیر/ مرداد ۱۳۹۲ (ژوئیه ۲۰۱۳)، پنج بهائی نجف‌آبادی که در یک شرکت پیمانکاری استخدام شده بودند، بدون دریافت حقوق یا مزایای دیگر اخراج شدند.

۶۱. ادامه حمایت از ارتقای معیارهای زندگی مردم با مجاز دانستن برخورداری بیشتر از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (کویت)؛

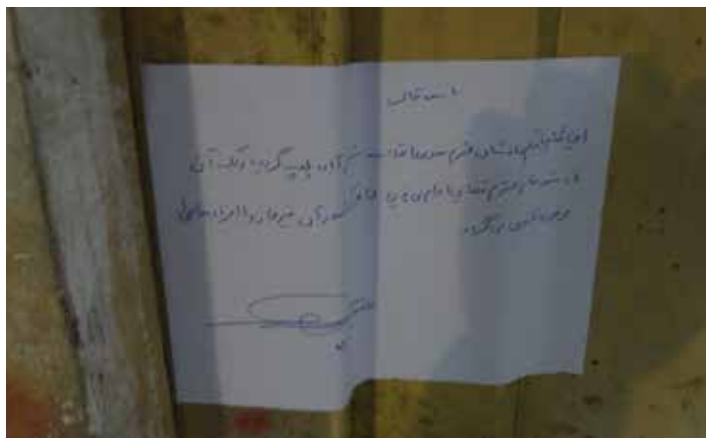
در فروردین/ اردیبهشت ۱۳۹۲ (آوریل ۲۰۱۳)، چهار مغازه متعلق به بهائیان در بیرجند توسط مقامات تعطیل و مهر و موم شد. به بهائیان دیگر، جواز کسب داده نشد یا جواز آنها تمدید نشد.

در دی/ بهمن ۱۳۹۱ (ژانویه ۲۰۱۳)، مدیر یک شرکت آسانسور متعلق به بهائیان در اصفهان به دفتر نظارت بر اماکن عمومی احضار شد و برای فراهم کردن فهرستی از همه کارمندان خود با ذکر دین آنان و فهرستی از همه شرکت‌های مشابه متعلق به بهائیان، مورد تهدید قرار گرفت. این دفتر پیش‌تر نام و آدرس همه مغازه‌های عینک‌سازی متعلق به بهائیان، شامل فهرستی از کارمندان آنها با ذکر دین‌شان را، جمع‌آوری کرده بود.

در دی/ بهمن ۱۳۹۱ (ژانویه ۲۰۱۳)، یک شرکت بزرگ پخش محصولات بهداشتی متعلق به بهائیان در تهران تعطیل و موجب از دست رفتن شغل حدود ۷۰ کارمند شد. صاحب بهائی آن تهدید شد که شکایتی به مراجع قانونی نکند.

در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (۲۰۱۳)، همه مغازه‌های متعلق به بهائیان در شهر سمنان توسط مقامات تعطیل و مهر و موم شد.

در ۲۶ آبان ۱۳۹۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۱۲)، مقامات حکومتی کسب و کار همه بهائیان استان همدان را تعطیل کردند. آن روز در تقویم اسلامی یکی از روزهای مقدس بهائیان، سالروز تولد حضرت بهاءالله، بنیانگذار آئین بهائی، بود. حد اقل ۳۲ فروشگاه و انبار متعلق به بهائیان توسط مقامات تعطیل شد. در روزهای بعد، صاحبان مغازه‌ها، در گروه‌های سه نفره در هر روز، به دفتر وزارت اطلاعات احضار شدند و از آنها خواسته شد تعهدی را مبنی بر تعطیل نکردن مغازه‌های خود در روزهای مقدس (تعطیل) بهائیان امضا کنند.



مقامات همچنان به صورت خودسرانه کسب و کار و مغازه‌های متعلق به بهائیان را تعطیل می‌کنند. در بالا پلمبی که بر در کارگاه متعلق به یک بهائی در آباده در مهر ۱۳۹۲ (اکتبر ۲۰۱۳) زده شده، از نزدیک دیده می‌شود. در آن آمده: «این مغازه به حکم دادستان محترم عمومی انقلاب شهر آباده پلمب گریده است.»

مصونیت از پیگرد

عوامل اعمال خشونت علیه بهائیان و املاک متعلق به آنها در سال‌های اخیر همواره از هرگونه پیگرد قضائی مصون بوده اند. در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ (۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲)، بیش از ۲۲۰ حمله از انواع مختلف علیه بهائیان یا املاک متعلق به آنان صورت گرفته است. طی این دوره، هیچ گزارشی مبنی بر پیگرد یا مجرم شناخته شدن این مهاجمان به دست نیامده است.

سرعت این حملات، برغم پذیرفته شدن همه توصیه‌های مربوط به آزادی دینی و پایبندی به قوانین بین‌المللی حقوق بشر، از بررسی ادواری جهانی ایران در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به این سو کاهش نیافته است. به ویژه باید یادآور شد که ایران همچنین توصیه‌ای را (۱۹۹#) مبنی بر «احترام کامل» به حقوق بهائیان و «پیگرد قضائی» کسانی که مسئول برانگیختن نفرت علیه آنها هستند پذیرفت، تعهدی که می‌تواند شامل حال کسانی شود که به بهائیان حمله کرده‌اند.

با این حال، همان‌طور که اشاره شد، کسی برای برانگیختن نفرت علیه بهائیان نیز تحت پیگرد قرار نگرفته است، تا چه رسد به کسانی که حملاتی را علیه آنان سازمان داده اند.

از جمله تأثیر انگیزترین این حملات ضرب و شتم سه بهائی در بیرجند با چاقو توسط فردی ناشناس در بهمن ۱۳۸۸ (فوریه ۲۰۱۰) بود که انگیزه آن به گونه ای آشکار نفرت از بهائیان بود.

بر اساس گزارش‌های رسیده از ایران، مهاجمی که نقاب بر صورت داشت، در حدود ساعت ۸ شب ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ وارد خانه قدرت‌الله مؤدی و همسرش، طوبی سبزه جو، شد. فوراً با یک چاقو یا ابزار تیز دیگری به آقای مؤدی خانم سبزه جو و دخترشان، اعظم مؤدی، حمله و هر سه نفر را به شدت مجروح کرد.

آقای مؤدی از ناحیه شکم و پهلو و خانم سبزه‌جو از ناحیه گردن زخمی شدند. هر دو در اثر از دست دادن خون

نفرت علیه زندگان و مردگان

از زمان انقلاب اسلامی، گورستان‌های بهائی بارها، اغلب با همدستی حکومت، مورد حمله یا تخریب قرار گرفته‌اند. این از جمله دردناک‌ترین جنبه‌های اذیت و آزار بهائیان در ایران است.

در سال‌های اخیر، این حملات شامل پرتاب بمب‌های آتش‌زا به ساختمان‌های غسل‌خانه، واژگون کردن سنگ قبرها، از ریشه درآوردن نهال‌ها و درخت‌ها، نوشتن مطالب ضد بهائی با اسپری بر دیوارهای گورستان و نبش قبرها و بیرون آوردن اجساد بوده است. این حملات و قیحانه و نفرت‌انگیزند چرا که با توجه به هنجارهای فرهنگی، مراسم خاکسپاری مراسمی روحانی و گورستان‌ها مکانی برخوردار از نوعی تقدس به شمار می‌روند. به احتمال زیاد این اقدامات خرابکارانه با کارزار ضدبهائی در رسانه‌ها مرتبط بوده یا حداقل ناشی از تحریکات این کارزار است. هر چند اثبات قطعی چنین ارتباطی ممکن نیست. کارزار با کمپینی که البته ایران در بررسی ادواری جهانی خود در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) وعده رسیدگی به آن را داده بود.



در سال ۱۳۹۳ (اوایل ۲۰۱۴) پاسداران انقلاب، ظاهراً برای پی‌ریزی یک مرکز فرهنگی ورزشی جدید، در یک گورستان قدیمی بهائیان در شیراز، این گودال را حفر کردند.

بسیاری از این رویدادها - حداقل در سطح محلی - با حمایت علنی یا ضمنی حکومت رخ داده است. روشن است که بسیاری از این حملات که مرتکبین آن شناسایی نشده باقی‌مانده‌اند، بدون نوعی پشتیبانی از سوی حکومت امکان نداشت. برای مثال، در چندین مورد حمله به گورستان‌های بهائی، تجهیزات و ماشین‌آلات ساختمانی سنگین به کار رفته است. تجهیزاتی که بدون مجوز حکومتی به سادگی نمی‌توانند به کار روند و ممکن نیست

استفاده از آن‌ها از چشم مقامات دور مانده باشند.

از سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) تا کنون، گورستان‌های بهائیان هدف ۲۲ حمله این‌چنینی بوده‌اند.

از جمله بارزترین نمونه‌های این اذیت و آزار مستمر و درکنار خودداری مطلق حکومت از تغییر سیاست‌ها یا اقدام علیه کسانی که بهائیان را آزار می‌دهند، می‌توان به خاک برداری نمایی از یک گورستان تاریخی بهائیان در شیراز در اردیبهشت ۱۳۹۳ (آوریل ۲۰۱۴) اشاره کرد. عناصری از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ظاهراً برای ساخت یک مرکز «فرهنگی و ورزشی» تازه، برغم تقاضاهای مکرر جامعه بهائی، شروع به خاک برداری گسترده‌ای در آنجا کردند. این گورستان آرامگاه حدود ۹۵۰ بهائی از جمله ده زن بهائی است که اعدام ظالمانه آنها در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) نمادی از سرکوب خونین بهائیان از طرف حکومت بود. همزمان حداقل ۴۰ کامیون برای بردن خاک یا مواد دیگری که حین خاک‌برداری خارج شده بود، صف کشیده بودند. در زمان نوشتن این گزارش، محکومیت گسترده این اقدام در مطبوعات بین‌المللی به معوق گذاشتن عملیات نابودی گورستان، حداقل در حال حاضر منجر شده است.

هوشیاری خود را از دست دادند. اما اعظم مودی توانست به پلیس تلفن کند و هر سه نفر به بیمارستان منتقل شدند. این سه تن پس از انتقال به بیمارستان مداوا و بهبود یافتند.

هیچ گزارشی از تلاش پلیس برای یافتن و محاکمه مهاجم منتشر نشده است.

عکسی از خانواده مودی در خانه در حالی که در دوران نقاهت پس از حمله باشیء نیز در ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ (۳ فوریه ۲۰۱۴) به سر می‌پرند. باندپیچی بازوی اعظم مودی در عکس دیده می‌شود. هیچ کس برای این حمله که هر سه نفر را راهی بیمارستان کرد، به میز محاکمه کشانده نشده است.



۴) پرونده هفت مدیر زندانی بهائی

توصیه‌های بررسی جهانی ادواری
که توسط ایران پذیرفته شد

در بهمن ۱۳۸۸ (فوریه ۲۰۱۰)، ایران طی بررسی ادواری جهانی پیشین خود سه توصیه از سوی حکومت‌های دیگر را پذیرفت که خواهان محاکمه عادلانه و شفاف برای بهائیان بودند. دو مورد از این توصیه‌ها به طور خاص به وضعیت هفت مدیر بهائی زندانی در ایران اشاره دارد که در آن زمان به خاطر مجموعه‌ای از اتهامات دروغین تحت محاکمه قرار داشتند.

توصیه‌هایی که از محاکمه‌های عادلانه برای بهائیان دفاع می‌کردند، به شماره‌های ۵۰، ۱۱۷ و ۱۱۸، از سوی حکومت‌های رومانی، استرالیا و زلاند نو مطرح شد. زبان صریح به کاررفته در این توصیه‌ها تقریباً مشابه و خواهان آن است که به بیان دولت استرالیا، ایران "عادلانه، شفاف و مطابق با استانداردهای بین‌المللی بودن دادرسی هفت مدیر جامعه بهائی را تضمین کند."

حقیقت آزار دهنده این است که همچون دیگر توصیه‌های پذیرفته شده مربوط به بهائیان، ایران کاملاً از عمل به وعده‌های خود درباره روند قانونی مقتضی برای این محاکمات امتناع کرده است.

جزئیات این پرونده حاکی از ناهمخوانی شدید بین وعده‌های ایران و نحوه عملکرد واقعی حکومت است.

این هفت مدیر بهائی اعضای گروهی را تشکیل می‌دادند که به نام «یاران» شناخته می‌شد و اکنون منحل شده است. این گروه با اطلاع کامل و روشن حکومت در جهت رسیدگی به نیازهای روحانی و اجتماعی جامعه ۳۰۰۰۰۰ نفری بهائیان این کشور عمل می‌کرد. این گروه به این سبب شکل گرفت که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، مقامات ایران تشکیلات بهائی را در سطوح ملی و محلی غیرقانونی خواندند و ده‌ها بهائی را که به عضویت این مؤسسات بهائی انتخاب شده بودند اعدام کردند. با گروه "یاران" مدتی مدارا شد، زیرا نه تنها جامعه به به یک هماهنگ کننده نیاز داشت، بلکه وجود رابطی بین این جامعه و حکومت نیز ضروری بود.



هفت مدیر بهائی ایران که از سال ۱۳۸۶/۱۳۸۷ (۲۰۰۸) زندانی شده‌اند، در عکسی که چند ماه پیش از دستگیری آنها گرفته شده. نشسته از چپ: بهروز توکلی و سعید رضائی. ایستاده: فریبا کمال‌آبادی، وحید تیزفهم، جمال‌الدین خانجانی، عقیف نعیمی و مهوش ثابت.

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ (۱۴ مه ۲۰۰۸)، طی یورش‌هایی در نخستین ساعات بامداد در تهران، شش عضو این گروه به نام‌های بهروز توکلی، وحید تیزفهم، جمال‌الدین خانجانی، سعید رضائی، فریبا کمال آبادی و عقیف نعیمی دستگیر شدند. عضو هفتم، مهوش ثابت، دو ماه پیش از آن در ۱۵ اسفند ۱۳۸۶ (۵ مارس ۲۰۰۸) بازداشت شده بود.

از آنجا که این یورش‌ها به شکلی مشابه با یورش‌های حدود ۲۵ سال پیش و ربودن مدیریت ملی جامعه بهائی ایران و اعدام بلافاصله آنها انجام شد، این رویداد به ویژه توجه کنشگران حقوق بشر در سطح بین‌المللی را برانگیخت. در واقع در هفته‌های اول هیچ خبری درباره محل نگهداری این هفت نفر یا اتهام‌های وارده به آنان مطرح نشد. امری که نقض آشکار بند ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حقوق قانونی فرد دستگیر شده است.

بی‌عدالتی‌ها همچنان افزایش یافت:

قوانین بین‌المللی و قوانین خود ایران ایجاب می‌کنند که بازداشت شدگان به سرعت و رسماً تفهیم اتهام شوند. هفت بهائی حداقل ۹ ماه بدون آن که مقامات کلمه‌ای درباره اتهامات آنها بگویند محبوس بودند و حتی پس از آن نیز اعلام اتهام آنها در یک کنفرانس مطبوعاتی و نه در جلسه دادگاه صورت گرفت.

حق مشاوره قانونی هم در قوانین بین‌المللی و هم در قوانین ایران به وضوح بیان شده است. این هفت نفر به مدت بیش از یک سال از دسترسی به وکیلان خود محروم بودند و پس از آن، پیش از آغاز محاکمه تنها اجازه یافتند حدود یک ساعت با آنان تماس داشته باشند.

بازداشت‌شدگانی که تفهیم اتهام نشده‌اند همچنین حق دارند در جریان انتظار برای محاکمه، خواستار آزادی خود به قید وثیقه شوند. مدیران جامعه بهائی با وجود تقاضاهای مکرر از آزادی به قید وثیقه محروم شدند.

جرم واقعی آنها: خدمت به جامعه‌شان

خانم فریبا کمال‌آبادی



فریبا کمال‌آبادی متخصص «روانشناسی رشد» و مادر سه فرزند است که در جوانی به خاطر اعتقادش به آئین بهائی، از فرصت تحصیل در دانشگاه‌های ایران محروم شد. او پیش از این دوره زندان، دو بار دستگیر و به ترتیب به مدت یک و دو ماه محبوس بود. تمامی دوران زندان وی به خاطر کار داوطلبانه او برای جامعه بهائی بود.

او در ۲۱ شهریور ۱۳۴۱ (۱۲ سپتامبر ۱۹۶۲) در تهران متولد شد و به عنوان دانش‌آموز ممتاز از دبیرستان فارغ‌التحصیل گشت، اما از رفتن به دانشگاه محروم ماند. او در میانه دهه چهارم زندگی، عزم یک دوره هشت ساله مطالعات غیررسمی در روانشناسی رشد را کرد که توسط مؤسسه آموزش عالی بهائی، موسسه‌ای آموزشی که توسط جامعه بهائی ایران برای فراهم کردن آموزش عالی برای جوانان تاسیس شده، ارائه می‌شد.

خانم کمال‌آبادی در سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) با یک بهائی، روح‌الله طائفی، ازدواج کرد. آنها سه فرزند دارند که کوچک‌ترین‌شان هنگام دستگیری مادرش در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)، تنها ۱۳ سال داشت. تجربه تحمل دشواری‌ها و اذیت و آزار خانم کمال‌آبادی از وضعیت فعلی او فراتر می‌رود. پدرش نیز در دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰ میلادی)، به خاطر بهائی بودن از فعالیت پزشکی خود در نظام خدمات بهداشتی دولتی اخراج و بعداً زندانی و شکنجه شد.

محاکمه واقعی این هفت نفر در ۲۲ دی ۱۳۸۸ (۱۲ ژانویه ۲۰۱۰) - درست چند هفته پیش از جلسه بررسی ادواری جهانی رسمی ایران در ژنو - آغاز شد. جلسات دادگاه به صورت متناوب شش ماه پس از آن ادامه یافت و جلسه پایانی که سه روز به طول انجامید، در خرداد ۱۳۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰) برگزار شد. در مرداد (اوت)، نتایج محاکمه اعلام شد. هر یک از این بهائیان با استناد به اتهاماتی ساختگی مانند «جاسوسی»، «فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام»، و سازماندهی «تشکیلات غیرقانونی» به بیست سال زندان محکوم شدند. پنج مرد اکنون در زندان گوهردشت در کرج، مشغول گذراندن دوران محکومیت خود هستند و دو زن بهائی همچنان در زندان اوین تهران به سر می‌برند.

موارد نقض قوانین داخلی و بین‌المللی طی محاکمه

فراتر از بی‌عدالتی‌های زمان بازداشت غیرقانونی و پیش از محاکمه این هفت نفر، طی محاکمه نیز در مواردی متعدد قوانین داخلی و بین‌المللی بر غم وعده و وعیدهای ایران در جریان بررسی ادواری جهانی آن در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) نقض شد.

محاکمه غیرعلنی بود. گرچه بستگان این هفت نفر اجازه حضور یافتند، اما دیپلمات‌ها، نمایندگان رسانه‌ها و مردم از شرکت در جلسات منع شدند. این ممانعت زیر پا نهادن آشکار قول ایران مبنی بر «شفافیت» محاکمه بود.

آقای جمال‌الدین خانجانی



آقای جمال‌الدین خانجانی پیش‌تر یک کارخانه‌دار موفق بود که کسب و کار خود را پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به خاطر اعتقادش به آئین بهائی از دست داد. او سپس بیشتر سال‌های دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰ میلادی) را در گریز و تحت تهدید به مرگ از سوی مقامات ایرانی گذراند و سه بار پیش از زندانی شدن کنونی‌اش دستگیر شد. آقای خانجانی، متولد شهر سنگسر در ۵ مرداد ۱۳۱۲ (۲۷ ژوئیه ۱۹۳۳) دوران کودکی‌اش را در یک دام‌داری در استان سمنان گذراند و تحصیلاتش از دوران دبیرستان فراتر نرفت اما شخصیت پویایش به زودی او را به تولید صنعتی کشاند و از او یک مدیر موفق بهائی ساخت.

او در شغل حرفه‌ای خود به عنوان یک کارمند شرکت پیسی‌کولا در ایران، در نقش ناظر خرید فعالیت کرده است. او بعداً پیسی‌کولا را ترک کرد و کسب و کار تولید ذغال چوب به راه انداخت. بعداً اولین کارخانه خودکار آجرسازی در ایران را تأسیس کرد و سرانجام صدها نفر را استخدام کرد. او در اوایل دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰ میلادی)، به خاطر ادیت و آزاری که به عنوان یک بهائی با آن مواجه بود، مجبور به تعطیل آن کارخانه شد که سبب بی‌کار شدن اکثر کارمندانش گشت. کارخانه بعداً توسط حکومت ضبط شد.

آقای خانجانی و خانم اشرف سبحانی در میانه دهه ۳۰ (دهه ۱۹۵۰ میلادی) ازدواج کردند. آنها چهار فرزند دارند. همسرش در اسفند ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) در حالی که شوهرش زندانی بود درگذشت. مقامات حتی از دادن مرخصی به آقای خانجانی برای شرکت در مراسم خاکسپاری خودداری کردند.

این هفت نفر بارها از صحبت یا دفاع کردن منع شدند. گزارش‌های به دست آمده از جلس محاکمه حاکی از آن است که قاضی‌اول دادگاه بارها طی محاکمه اظهارات این هفت نفر را قطع کرد. کاری که همه معیارها و موازین بی طرفی قضائی را نقض می‌کند.

بنا بر این گزارش‌ها، شواهد روشنی از اعمال تبعیض از جانب قاضی وجود داشت و او آشکارا از دادستان‌ها طرفداری می‌کرد. برای مثال، متن رأی نهایی دادگاه که در ۱۶ مرداد ۱۳۸۹ (۷ اوت ۲۰۱۰) توسط محمد مقیسه، قاضی اصلی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی، صادر شد، حاکی از تعصب دینی عمیقی است و کاملاً از فعالیت‌هایی که ظاهراً موضوع بحث هستند، فراتر می‌رود و به فعالیت‌های یک جامعه دینی جهانی اشاره می‌کند.

طرز عمل مدیریت جهانی فرقه ضالّه بهائیت، هم در ایران و هم در کشورهای دیگر، اشتغال به اقدامات غیرقانونی، پنهان کردن تصمیمات اداری از مردم و مقامات، تلاش در به تحلیل بردن و فریب مقامات حکومتی، همراهی با گروه‌های اپوزیسیون و همکاری با حکومت‌های متخاصم با هدف کمک به تبلیغات علیه ایران اسلامی است.»

مهناز پراکند، از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر، که دفاع از این هفت نفر را بر عهده داشت و همراه آنها در دادگاه حاضر بود، این مورد و موارد دیگر بی‌عدالتی در این محاکمه را در اظهارات خود در پارلمان اروپا در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) چنین برشمرد:

کیفرخواست صادره علیه موکلان ما، «ایران»، بیشتر به یک بیانیۀ سیاسی شبیه بود تا یک کیفرخواست حقوقی. یک متن ۵۰ صفحه ای که یک پنجم آن به توضیح تاریخ آئین بهائی و منشأ آن، و دیدگاه تهیه‌کننده کیفرخواست درباره بنیان‌گذاری و انتشار آئین بهائی در ایران اختصاص یافته بود. کیفرخواستی سراسر توهین و تحقیر در حق بهائیان ایران و به ویژه موکلین ما. متنی بسیار کلی و فاقد هرگونه دلیل قابل اثبات.

آقای عقیف نعیمی



عقیف نعیمی یک صنعتگر است که نتوانست رؤیای پزشک شدن خود را دنبال کند، زیرا به عنوان یک بهائی از دسترسی به تحصیلات دانشگاهی محروم ماند. نعیمی در عوض، توجه خود را به تجارت، یکی از مسیرهای کاری معدودی که برای بهائیان باز است معطوف کرد. او کارخانه پتوسازی و منسوجات پدر همسر خود را به دست گرفت.



آقای نعیمی، متولد ۱۵ شهریور ۱۳۴۰ (۶ سپتامبر ۱۹۶۱) در یزد، مدت‌ها در خدمات داوطلبانه بهائی فعال بوده است. او در کلاس‌های کودکان بهائی مربی بوده، کلاس‌هایی برای بزرگسالان برگزار کرده، در مؤسسه آموزش عالی بهائی تدریس کرده و عضوی از هیئت معاونت، یک سمت انتصابی که اصولاً به تشویق و ترویج یادگیری در میان بهائیان می‌پردازد، بوده است. او در اوایل دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰ میلادی)

با خانم شهره خلخی ازدواج کرد. آنها دو پسر دارند.

آقای سعید رضائی

خانم پراکند همچنین گفت قاضی و رئیس دادگاه عدم بی طرفی مطلق خود را نشان داد، در حالی که بی طرفی «یکی از شرایط دادرسی عادلانه» است.

قاضی دادگاه از همان الفاظ و عباراتی استفاده می کرد که در کیفرخواست استفاده شده بود، مثل 'فرقه ضاله بهائیت'. همین امر به خوبی بیانگر بی طرف نبودن قاضی رسیدگی کننده و ناعادلانه بودن دادرسی و محاکمه به خاطر عقیده می باشد. در موارد بسیاری، قاضی اظهارات دفاعی موکلان را به این بهانه که استدلال شان تبلیغ بهائیت محسوب می شود، قطع می کرد و آنها را از دفاع از خود محروم می داشت

خانم شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح، و بنیانگذار کانون مدافعان حقوق بشر، که در مراحل اولیه دفاع از این هفت نفر شرکت داشت، اما در زمان محاکمه خارج از کشور بود، در مرداد ۱۳۸۹ (اوت ۲۰۱۰) به بی بی سی گفت که از صدور احکام ۲۰ ساله زندان «تکان خورده» است.

خانم عبادی در مصاحبه ای تلویزیونی که در هفته مرداد (۸ اوت) در بخش فارسی خبری بی بی سی پخش شد گفت: «من خودم شخصا ورق به ورق این پرونده را خوانده بودم و متوجه شدم که هیچ دلیلی که اتهام آنها را ثابت بکند و هیچ گونه سندی که اثبات کننده ادعای دادستان باشد در پرونده وجود ندارد.»

برای مثال، اتهام جاسوسی تقریباً به طور کامل حول این حقیقت می گردد که این هفت نفر گزارش های فعالیت های دینی بهائیان ایران را به هیئت اداری بین المللی آئین بهائی، بیت العدل اعظم، که در مرکز جهانی بهائی در حیفا اسرائیل واقع است می فرستادند. به این ترتیب مانند تبلیغات ضد بهائی، شواهدی که برای «محکوم کردن» این هفت نفر به جاسوسی به کار رفته، تنها بر ادعای ارتباط با اسرائیل بنا شده اند.

علاوه بر آن، کل ماجرای دستگیری، بازداشت، محاکمه و محکومیت این هفت نفر نمونه ای بارز از وضعیتی است که دیگر بهائیان ایرانی دستگیر شده در سال های اخیر با آن روبرو هستند. آنان نیز مانند این هفت نفر، با

سعید رضائی مهندس کشاورزی است که بیش از ۲۰ سال کسب و کار موفق را در زمینه تجهیزات کشاورزی در استان فارس اداره کرده است. سعید رضائی مهندس کشاورزی است که بیش از ۲۰ سال کسب و کار موفق را در زمینه تجهیزات کشاورزی در استان فارس اداره کرده است.

او به خاطر پژوهش بسیار در دیانت بهائی معروف و چندین کتاب نوشته است.

آقای رضائی در ۵ مهر ۱۳۳۶ (۲۷ سپتامبر ۱۹۵۷) در آبادان متولد شد و کودکی خود را در شیراز گذراند. در همان شهر دبیرستان را با رتبه ممتاز به پایان رساند. آقای رضائی از جوانی به صورت فعال در جامعه بهائی خدمت کرده است. او سال ها معلم کلاس های کودکان بهائی بوده و در مؤسسه تربیت بهائی و حیات بهائی خدمت کرده است. او همچنین عضو مؤسسه ملی آموزش بود. او نیز قربانی اشکال مختلف اذیت و آزار به خاطر اعتقاد به دیانت بهائی، از جمله دستگیری و بازداشت در سال ۱۳۸۴/۱۳۸۵ (۲۰۰۶) و ۴۰ روز زندان انفرادی بوده است. او در سال ۱۳۵۹/۱۳۶۰ (۱۹۸۱) با خانم شهین روحانیان ازدواج کرد. آنها سه فرزند، دو دختر و یک پسر، دارند.

خانم مهوش ثابت



مهوش ثابت یک معلم و مدیر مدرسه است که به خاطر بهائی بودن از وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. او پیش از دستگیری در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۸)، مدیر مؤسسه آموزش عالی بهائی بود که گزینه ای برای آموزش عالی جوانان بهائی فراهم می کند. او همچنین پیش از عضویت در گروه یاران ایران، به عنوان منشی این گروه خدمت کرده است.

اتهامات مشابهی مبنی بر «جاسوسی»، «تبلیغ علیه نظام» یا «فعالیت‌های غیرقانونی» روبرو شده‌اند. اتهاماتی که همه به فعالیت‌های دینی مشروع آنان بر می‌گردد.^{۱۲}

۱۲. ویدئوی مربوطه <https://www.youtube.com/watch?v=P57D26H0hvE>

آنچه بی‌عدالتی‌های وارده بر این هفت نفر را تشدید می‌کند آن است که بنا به ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی در ایران مصوب سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳)، از بین جرائم ارتكابی شامل بیش از سه مورد، فقط مجازات اشد قابل اجرا است – به این معنا که احکام ده‌ساله متوالی که به یک حکم زندان ۲۰ ساله انجامید، اکنون باید به طور اتوماتیک به ۱۰ سال کاهش یابد که تا زمان نوشتن این گزارش، اقدام به اجرای آن نشده است.

مهوش ثابت در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ (۴ فوریه ۱۹۵۳) در اردستان متولد شد و وقتی کلاس پنجم بود به تهران نقل مکان کرد. او فعالیت حرفه‌ای خود را به عنوان یک معلم آغاز کرد و در مدارس مختلف به عنوان مدیر نیز کار کرد. او در حرفه‌ی اصلی‌اش با کمیته سوادآموزی ملی ایران نیز همکاری داشت. پس از انقلاب اسلامی مانند هزاران آموزگار بهائی دیگر در ایران، از مدرسه اخراج و از کار در آموزش و پرورش دولتی منع شد. او در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۲ (۲۱ مه ۱۹۷۳) با سیاوش ثابت ازدواج کرد. آنها یک پسر و یک دختر دارند.

در حالی که اعضای دیگر یاران در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ (۱۴ مه ۲۰۰۸) در خانه‌های خود در تهران دستگیر شدند، خانم ثابت در ۱۵ اسفند ۱۳۸۶ (۵ مارس ۲۰۰۸) در مشهد دستگیر شد. گرچه او ساکن تهران است ولی به اداره اطلاعات مشهد احضار شده بود. ظاهراً دلیل احضارش به اداره اطلاعات مشهد پاسخ به سؤالاتی درباره خاکسپاری یک فرد بهائی در گورستان بهائی آن شهر بود.

آقای بهروز توکلی

بهروز توکلی یک مددکار اجتماعی ست که در اوایل دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰ میلادی)، به خاطر اعتقاد به دیانت بهائی، شغل دولتی خود را از دست داد. او پیش از زندانی شدن کنونی، به طور متناوب بازداشت و اذیت و آزار را تجربه کرده و در ۱۳۸۴/۱۳۸۳ (۲۰۰۵)، به مدت چهار ماه بدون اتهام زندانی شد و بیشتر این مدت را در زندان انفرادی گذراند.

آقای توکلی، متولد ۱۰ خرداد ۱۳۳۰ (۱ ژوئن ۱۹۵۱) در مشهد، در دانشگاه روان‌شناسی خواند و سپس دو سال خدمت وظیفه را با درجه ستوانی در ارتش به پایان رساند. او بعداً دوره های آموزشی



دیگری را گذراند و در مراقبت از معلولان جسمی و ذهنی تخصص یافت. وی تا زمان اخراجش در سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ (۱۹۸۱ یا ۱۹۸۲)، در یک سیمت دولتی مشغول به کار بود. آقای توکلی در سن ۲۳ سالگی با خانم طاهره فخرتوسکی ازدواج کرد. آنها دو پسر دارند.

آقای توکلی برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش پس از اخراج از کار دولتی، یک مغازه نجاری کوچک در شهر گنبد به راه انداخت. او مجموعه‌ای از کلاس‌های مطالعات بهائی را نیز برای بزرگسالان و جوانان تأسیس کرد.

آقای توکلی به صورت متناوب بارها توسط مقامات بازداشت شده است. از جمله بدترین این بازداشت‌ها، دستگیری سال ۱۳۸۳/۱۳۸۴ (۲۰۰۵) بود که در آن زمان، همراه همکار خود در گروه یاران، فریبا کمال‌آبادی، به مدت ۱۰ روز بدون تماس با بیرون توسط مأموران اطلاعات نگه داشته شد. او چهار ماه دیگر را در اسارت گذراند و طی این بازداشت به مشکلات جدی کلیوی و استخوانی دچار شد.



آقای وحید تیزفهم

وحید تیزفهم یک عینک‌ساز و صاحب یک مغازه‌ی عینک‌سازی در تبریز است، شهری که تا سال ۱۳۸۷ (اوایل سال ۲۰۰۸)، پیش از نقل مکان به تهران، در آن زندگی می‌کرد.

او در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۲ (۱۶ مه ۱۹۷۳) در شهر ارومیه متولد شد و کودکی و جوانی خود را در آنجا گذراند و پس از کسب دیپلم ریاضی از دبیرستان، در سن ۱۸ سالگی برای تحصیل در عینک سازی به تبریز رفت. او بعداً در مؤسسه‌ی معارف عالی بهائی به تحصیل جامعه‌شناسی پرداخت.

آقای تیزفهم در سن ۲۳ سالگی با فروزنده نیکومنش ازدواج کرد. آنها یک پسر جوان دارند که در هنگام دستگیری او در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)، در کلاس سوم درس می‌خواند. آقای تیزفهم از زمان جوانی در سیمت‌های متنوع به جامعه‌ی بهائی خدمت کرده است. زمانی عضو لجنة ملی جوانان بهائی بود. بعداً به عضویت هیئت معاونت منصوب شد، سیمتی که اصولاً به تشویق و ترویج یادگیری در میان بهائیان می‌پردازد. او همچنین در کلاس‌های محلی به کودکان بهائی نیز تعلیم داده است.

۵) زمینه اذیت و آزار بهائیان در ایران

بهائیان ایران از آغاز شکل‌گیری این دین در میانه قرن نوزدهم میلادی با تبعیض روبرو بوده‌اند و حدود ۲۰۰۰۰ نفر از پیروان آن در قتل عامی که بلافاصله پس از اعلان دین جدید آغاز شد، کشته شدند. در دهه‌های پس از آن، گرچه این اذیت و آزار به عنوان یکی از واقعیت‌های زندگی همه بهائیان ساکن آن کشور باقی ماند، اما به شدت گذشته نبود و حتی طی دوره‌هایی بهائیان از آرامشی نسبی نیز برخوردار شدند. اما ماهیت پراکنده و ادواری اذیت و آزار در اواخر دهه پنجاه (۱۹۷۰ میلادی) به پایان رسید. در آن زمان عناصر روحانیت محافظه‌کار که درگیر پیش‌برد انقلاب ایران بودند، تحریک به حملات نظام مند علیه بهائیان را آغاز کردند. حداقل هفت بهائی در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۶ (۱۹۷۸) به دست عوام یا مهاجمان ناشناس کشته شدند و تعداد زیادی از خانه‌های بهائیان در آن سال به آتش کشیده شد.

با استقرار انقلاب اسلامی، اذیت و آزار بهائیان به سیاست رسمی حکومت تبدیل شد.

بین سال‌های ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و ۱۳۶۷ (اواخر ۱۹۸۸)، بیش از ۲۰۰ بهائی به دست حکومت اعدام شدند، در زندان از دنیا رفتند یا «ناپدید» شدند. صدها نفر دیگر زندانی و مورد شکنجه قرار گرفتند، ده‌ها هزار نفر از استخدام، تحصیل، آزادی در عبادت و حقوق دیگر محروم شدند که همه صرفاً بدین خاطر بود که دین آنها یک «فرقه بدعت‌گذار» اعلام شده بود.

در اواخر دهه شصت تا دهه هفتاد (دهه ۱۹۹۰ میلادی)، ظاهراً در واکنش به اعتراض‌های جانبی بین‌المللی به اعدام‌های گسترده بهائیان، سیاست‌های اذیت و آزار اعضای این جامعه - بدان سان که در سند موسوم به «یادداشت مسئله بهائیان» در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) مطرح شده- تبدیل به محرومیت اجتماعی، آموزشی و اقتصادی شد. [به صفحه ۳۳ رجوع کنید]

اما در میانه دهه هشتاد (۲۰۰۰ میلادی)، با اوج‌گیری قدرت محافظه‌کاران تندرو و بنیادگرا در حکومت، دستگیری، زندان و دیگر اشکال حمله به بهائیان چنانچه در این گزارش و گزارش‌های پیشین جامعه جهانی بهائی با ارائه اسناد عنوان شده است بار دیگر رو به افزایش گذاشت.

انزجار و نفرت روحانیون حاکم بر ایران از بهائیان را می‌توان به تعصب دینی کورکورانه آنان نسبت داد. سرچشمه‌ی این دیدگاه را می‌توان در این اندیشه آنان جستجو کرد که آئین بهائی نمایانگر یک ارتداد دینی است و باید ریشه‌کن شود.

آئین بهائی در سال ۱۲۲۳ (۱۸۴۴) در ایران بنیان گذاشته شد و مانند بسیاری از ادیان جدید، پیروان آن فوراً با آزار، محرومیت و خشونت از سوی اعضای نظام دینی غالب روبرو شد.

از آغاز، روحانیون شیعه که بر ایران مسلط هستند، آئین بهائی را نوعی ارتداد و الحاد و تهدیدی برای اقتدار خود می‌دیدند. مخالفت آنها عمدتاً از ادعای آئین بهائی مبنی بر این که ظهوری جدید از جانب خداست برمی‌خیزد - چیزی که نخبگان روحانی حاکم بر ایران از دیرباز آن را مخالف با تعالیم اسلام که به ادعای آنها «ختم» ادیان الهی است- دانسته‌اند.

علاوه بر آن، تعالیم مترقی آئین بهائی - مانند تأکید بر برابری زنان و مردان، اهمیت آموزش و پرورش و کسب دانش، و حذف نهاد روحانیت - حساسیت‌های سنتی را جریحه‌دار کرد و شعله مخالفت خشونت‌آمیز را برافروخت.

در دهه‌های پس از بنیان‌گذاری این آئین، حداقل ۲۰۰۰۰ نفر از اولین بهائیان - که در آن زمان به عنوان بابی شناخته می‌شدند- در قتل عامی گسترده، اغلب پس از شکنجه‌های هولناک، کشته شدند.

بین سال‌های ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و ۱۳۶۷ (اواخر ۱۹۸۸)، بیش از ۲۰۰ بهائی به دست حکومت اعدام شدند، در زندان از دنیا رفتند یا در غیر این صورت «ناپدید شدند». صدها نفر دیگر زندانی و شکنجه شدند، ده‌ها هزار نفر از استخدام، تحصیل، آزادی در عبادت و حقوق دیگر محروم شدند که همه صرفاً بدین خاطر بود که دین آنها یک «فرقه بدعت‌گذار» اعلام شده بود.



در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵)، روحانیون مسلمان و اعضای ارتش شاه مرکز ملی بهائیان در تهران را با کلنگ تخریب کردند.

موج‌های خشونت علیه بهائیان تا اواسط قرن سیزدهم (قرن بیستم میلادی) ادامه یافت. یکی از این رویدادها که اسناد آن به بهترین وجه در دست است یک دوره کشتار و تاراج بود که به مدت یک ماه در شهر یزد و دهکده‌های اطراف جریان داشت. در سال ۱۲۸۱/۱۲۸۲ (۱۹۰۳)، حداقل ۷۰ بهائی جان خود را با بیدادگری عوام از دست دادند؛ آنها هر جا بهائیان را می‌یافتند می‌کشتند و املاک آنها را غارت یا تخریب می‌کردند. مقامات در آن زمان یز تلاشی برای حفاظت از بهائیان نکردند.

پس از انقلاب مشروطه ۱۲۸۴-۱۲۸۵ (۱۹۰۵-۱۹۰۶)، وضعیت برای بهائیان ایران بهبود یافت و به آنها اجازه داده شد به قول معروف خودی نشان دهند، از نظر اقتصادی شکوفا شوند و از نظر اجتماعی ترقی کنند. به ویژه پس از سال ۱۲۸۹ تا میانه دهه ۱۳۰۰ (۱۹۱۱ تا میانه دهه ۱۹۲۰) که تمرکز فزاینده دولت مرکزی رضا شاه امنیت بهتری فراهم می‌کرد، بهائیان توانستند ده‌ها مدرسه مدرن ساخته و اداره کنند و به عنوان یک نیروی متری در اجتماع، شهرت یابند. بنا به گفته چندین پژوهشگر، در یک برهه زمانی در اواخر دهه ۱۳۰۰ (اواخر ۱۹۲۰)، مدارس تحت اداره بهائیان تا ۱۰ درصد از کل دانش آموزان ایران را آموزش می‌دادند.

اما بهائیان هنوز مورد انواع گوناگون مخالفت و حمله قرار داشتند. در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴)، حکومت رضا شاه همه مدارس بهائی را تعطیل کرد - تصمیمی که احتمالاً با اعمال نفوذ و مخالفت روحانیون با آئین بهائی گرفته شد.

تسلیم‌ناپذیری و سرسختی روحانیون مسلمان ایران در تحقق هدف نابودی بهائیان در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) زمانی آشکار شد که یک روحانی مسلمان به نام محمدتقی فلسفی در برنامه رادیویی روزانه خود طی ماه مبارک رمضان شروع به حمله به بهائیان کرد.

او از جمله آئین بهائی را به عنوان یک "دین ساختگی" محکوم کرد. در پاسخ به این تحریکات، بهائیان و املاک و مکان‌های مقدس بهائی در سراسر کشور هدف حملاتی گسترده قرار گرفت. جسد‌های بهائیان در گورستان‌ها را از خاک بیرون آوردند و مثله کردند. مغازه‌ها و مزرعه‌های بهائیان را غارت کردند، محصولات را سوزاندند و دام‌ها را نابود کردند. حکومت نه تنها جهت متوقف ساختن خشونت کار زیادی نکرد بلکه در واقع در کوششی برای آرام

کردن روحانیون، خطبه‌های فلسفی را از رادیوی سراسری کشور و رادیوی ارتش پخش کرد. در ۱۶ اردیبهشت (۷ مه)، وزیر کشور در کنار روحانیون با کلنگ به تخریب ساختمان مرکز ملی بهائیان در تهران پرداخت.

با وجود این حملات ادواری خشونت‌آمیز، آئین بهائی به طور مداوم در ایران گسترش یافته است. پژوهشگران تخمین زده‌اند که تا اواخر دهه ۱۱۸۰ (۱۸۰۰ میلادی)، حدود ۱۰۰۰۰۰ بهائی در ایران وجود داشته ست. این تعداد تا سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) به شاید ۲۰۰۰۰۰ و در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به حدود ۳۰۰۰۰۰ یا بیشتر رسیده است.

اما با وقوع انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، زمانی که اذیت و آزار بهائیان به سیاست دولتی تبدیل شد، موج حمله‌ها علیه بهائیان بار دیگر شدت گرفت.

یادداشت مسئله بهائیان: نقشه محرمانه ایران برای سرکوب جامعه بهائی

محکم‌ترین شاهد و گواه سرکوب بهائیان در سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران در یادداشت محرمانه ای به تاریخ ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) که سیاست دولتی در ارتباط با برخورد با «مسئله بهائیان» را طرح و تدوین می‌کند، به چشم می‌خورد.

این سند که به امضای رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رسیده، مجموعه ای از محدودیت‌های دقیق و حساب‌شده را بر بهائیان تحمیل می‌کند. هدفی که در نخستین نگاه و بررسی سند آشکار می‌شود، سرکوب مطلق جامعه بهائیان ایران بدون جلب توجه زیاد از سوی دیده بان‌های بین‌المللی حقوق بشر است.

تمرکز اصلی آن دعوت بر نوعی از رفتار با بهائیان ایران است که «راه ترقی و توسعه آنان را مسدود نماید».

برای دستیابی به این خواسته، در یادداشت مشخص شده که بهائیان باید از «پیست‌های مؤثر» محروم شوند و در عوض تنها اجازه یابند که وسایل معاش در حد متعارف که در اختیار همه احاد ملت قرار داده می‌شود، در اختیار داشته باشند و حتی «در صورت ابراز بهائی بودن اجازه استخدام ندارند».

به بیان دیگر، این یادداشت اساساً دستور می‌دهد که بهائیان باید بی‌سواد و تحصیل‌نکرده بار آیند و تنها در حد امرار معاش در سطحی بخور و نمیر زندگی کنند و هر لحظه این ترس را داشته باشند که حتی ارتکاب کوچک‌ترین خلاف تهدید زندان یا بدتر از آن را برای شان به همراه خواهد داشت.

در این یادداشت همچنین آشکارا خواسته می‌شود که تاکتیک‌ها از آزار علنی مانند کشتن، شکنجه و زندان به نوعی از محدودیت‌های ضمنی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شود که به احتمال کمتری بررسی و محکومیت شدید بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت. این سند همچنین تا آنجا پیش می‌رود که تصریح می‌کند «جهت مقابله و از بین بردن ریشه‌های فرهنگی آنان در خارج از کشور پیشنهاد و طرح تهیه شود.»

با توجه به ماهیت اذیت و آزار نظام مند بهائیان در ایران و استمرار این آزار، که از زندان و دستگیری خودسرانه تا سرکوب آموزشی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، شکی نمی‌تواند وجود داشته باشد که سیاست‌های مندرج در این سند هنوز اجرا می‌شوند. در واقع از زمان بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) - یا از زمان ریاست جمهوری روحانی - نشانی از لغو آن مشاهده نشده است.

متن سند

بسمه تعالی

[شماره: ۱۳۲۷/....]

[آرم شورای عالی انقلاب فرهنگی]

جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۶/۱۲/۹۹

پیوست:.....

محرمانه

حضرت حجت‌الاسلام جناب آقای محمدی گلپایگانی

ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری

سلام علیکم

بعد از تحیات، عطف به نامه شماره ۷۸۳/۱ س مورخ ۱۰/۱۰/۶۹ دائر بر ابلاغ اوامر مقام معظم رهبری به ریاست محترم جمهوری در رابطه با مسائل بهائیان به استحضار میرساند. حسب ارجاع ریاست محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع جهت طرح و بررسی در دستور جلسه ۱۲۸ مورخ ۱۶/۱۱/۶۹ و ۱۱۹ مورخ، ۲/۱۱/۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت و در تعقیب مذاکرات و مراتبی که در جلسه ۱۱۲ مورخ، ۲/۵/۶۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست مقام معظم رهبری (رئیس و عضو شورای عالی) در این خصوص بعمل آمده بود، نظرات و اوامر اخیر مقام معظم رهبری در رابطه با مسائل بهائیان به اطلاع شورای عالی رسید و با عنایت به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مسائل شرعی و قانونی و سیاستهای عمومی کشور مورد مذاکره و مذاقه و اعلام نظر واقع گردید و در راستای تعیین و پیشنهاد سیاست صحیح و معقول در برخورد با مسائل مذکور، و با عطف توجه خاص به اوامر مقام عظیم الشان رهبری جمهوری اسلامی ایران دائر بر آنکه "در این رابطه سیاست‌گذاری درستی بشود تا همه بفهمند چه کار باید بشود یا نشود" محصل مذاکرات و پیشنهادات بشرح زیر جمع بندی گردید و ریاست محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن مناسب دانستن نتیجه مذاکرات و پیشنهادات مقرر فرمودند مراتب به استحضار مقام معظم رهبری رسانده شود تا ضمن ارشادات لازم بهر ترتیب که صلاحدید میفرمایند عمل شود.

جمع‌بندی نتایج مذاکرات و پیشنهادات

الف: جایگاه کلی بهائیان در نظام مملکتی

۱. بدون جهت آنان از مملکت اخراج نمی‌شوند.
۲. بی‌دلیل آنان دستگیر، زندانی و یا مجازات نمی‌شوند.
۳. بر خورد نظام با آنان باید طوری باشد که راه ترقی و توسعه آنان مسدود شود.

ب: جایگاه فرهنگی

۱. در مدارس چنانچه اظهار نکردند بهائی‌اند ثبت نام شوند.
۲. حتی‌المقدور در مدارس که کادر قوی و مسلط بر مسائل عقیدتی دارند ثبت نام شوند.
۳. در دانشگاهها چه در ورود و چه در حین تحصیل چنانچه احرار شد بهائی‌اند از دانشگاه محروم شوند.
۴. فعالیت سیاسی (جاسوسی) آنها با وضع قوانین و مقررات دولتی پاسخ داده شده و فعالیتهای اعتقادی و تبلیغی را با فعالیتهای دینی، تبلیغی و فرهنگی پاسخ داد.
۵. موسسات تبلیغی (مانند سازمان تبلیغات اسلامی) شعبه‌ای مستقل برای مقابله با فعالیتهای اعتقادی و تبلیغی بهائیت تأسیس ۵۵ نمایند.
۶. جهت مقابله و از بین بردن ریشه‌های فرهنگی آنان در خارج از کشور پیشنهاد و طرح تهیه شود.

ب: جایگاه حقوقی و اجتماعی

۱. در اختیار گذاردن وسایل معاش در حد متعارف که در اختیار همه آحاد ملت قرار داده می شود.
۲. امکانات جهت زندگی معمولی و حقوق عمومی مانند سایر شهروندان ایرانی از قبیل دفترچه بسیج، گذرنامه، جواز دفن، اجازه= 1 کار و امثال اینها تا جایی که تشویق به بهائیت نشوند.
۳. در صورت ابراز بهائی بودن اجازه استخدام ندارند.
۴. پستهای موثر (مانند معلمی و...) به آنان داده نشود.

با آرزوی توفیقات الهی

دبیر شورایی عالی انقلاب فرهنگی

دکتر سید محمد رضا هاشمی گلپایگانی

[امضا]

[دست خط سید علی خامنه‌ای]

بسمه تعالی

مصوبه شورایی عالی محترم کافی بنظر می رسد

از توجه و اهتمام آقایان متشکرم

۶) نتیجه

در ماه‌های پس از رسیدن حسن روحانی به مقام ریاست جمهوری در سال گذشته، در رسانه‌های خبری بین‌المللی صحبت‌های بسیاری در این زمینه در جریان بوده که آیا ناکامی از دست زدن به اصلاحات وعده‌داده شده در حوزه حقوق بشر صرفاً انعکاسی از ناتوانی او در پیروزی علیه تندروهاست یا در حقیقت اقدام نکردن او نمایانگر نیرنگی جدی است.

در این زمینه، میزان تمایل ایران در عمل به وعده‌هایی که در روند بررسی ادواری جهانی داده است، شاید روشن‌ترین محک برای تشخیص صداقت حکومت در داد و ستد و تعامل با جامعه بین‌المللی باشد.

بررسی ادواری جهانی صحنه منحصربفردی برای رسیدگی به کارنامه حقوق بشری یک کشور است. این بررسی همان‌طور که از نامش برمی‌آید، خصلتی جهانی دارد و در مورد همه کشورها قابل انجام خواهد بود. از سوی دیگر، چون هر چهار سال یک بار تکرار می‌شود، شاخص مهمی برای اندازه‌گیری پیشرفت حاصله فراهم می‌کند.

در مورد ایران، این نیز مهم است که حکومت به طور کامل در بررسی ادواری جهانی شرکت کرد. در واقع، سیاستمداران ایرانی گفته‌اند که ایران بررسی ادواری جهانی را به عنوان معیار ارزیابی حقوق بشر ترجیح می‌دهد و سازوکارها و رویه‌های ویژه‌ای را که در صدد نظارت بر حقوق بشر خارج از بررسی ادواری جهانی هستند، مانند انتصاب گزارشگر ویژه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را نمی‌پذیرد.

در پرتو این وضعیت، پرونده رفتار ایران با بهائیان نمونه‌ای بسیار بارز از شکاف بین ادعاهای لفظی ایران و واقعیت حقوق بشر این کشور را ارائه می‌دهد. همان‌طور که این نشریه نشان داده، ایران از پرداختن به توصیه‌های مربوط به بهائیان کاملاً خودداری کرده است، توصیه‌هایی که تقریباً یک سوم توصیه‌های پذیرفته‌شده ایران را تشکیل می‌دهند.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که رفتار ایران با بهائیان را احتمالاً به خوبی می‌توان «آزمون تعیین‌کننده» صداقت حکومت در زمینه حقوق بشر و دیگر اصلاحات دانست. رضا اصلاان و مایکل بروکس در مهر ۱۳۹۲ (سپتامبر ۲۰۱۳) در وبلاگ خبری واشنگتن‌پست نوشتند:

اگر حسن روحانی واقعاً و جدّاً خواستار بهبود و ترمیم وجهه جمهوری اسلامی ایران در جهان و عمل به وعده‌ها و قول‌های خویش مبنی بر تأمین حقوق بیشتری برای شهروندان این کشور است، باید به مسأله‌ای بپردازد که هیچ دولتمرد ایرانی را یارای پرداختن به آن نیست و آن موارد هولناک نقض حقوق بشری است که جامعه کوچک اما تاریخی بهائیان ایران قربانی آن است.^{۱۳}

معذالک با کمال تأسف باید یادآور شد که اذیت و آزار نظام مند بهائیان توسط حکومت ایران کماکان و بدون هیچ گونه کاهشی ادامه دارد.

در زمان نوشتن این گزارش، بیش از ۱۰۰ بهائی، صرفاً به خاطر باورهای دینی‌شان در زندان هستند. نظام قضائی که آنان را زندانی ساخته، تقریباً همه موازین و معیارهای پذیرفته‌شده رویه‌های قضائی قانونی را با توسل به دستگیری و بازداشت خودسرانه، محاکمه‌های غیر علنی و انتصاب قاضیان متعصب و فاقد بی‌طرفی نقض کرده

۱۳. برای آقای روحانی از ایران، حقوق بشر بهائیان آزمون نهایی اصلاحات است ۳ مهر ۱۳۹۲ (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳)، وبلاگ درباره دین از واشنگتن‌پست.



در اردیبهشت ۱۳۹۳ (مه ۲۰۱۴) عده‌ای از ایرانیان بانفوذ، کنشگران حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و یک رهبر دینی برجسته در تهران در خانه یکی از هفت مدیر بهائی زندانی به مناسبت ششمین سالگرد دستگیری آنها گرد هم آمدند. این گردهمایی، نمایش بی‌سابقه‌ای از همبستگی، نمایانگر ندای هر چه راستاری از درون ایران برای پایان دادن به آزار بهائیان ایران به دست حکومت است.

است. این حکومت حامی یک کارزار رسانه‌ای گسترده است که در راستای کوششی آشکار به منظور برانگیختن نفرت، به انتشار دروغ و شایعه درباره بهائیان می‌پردازد. یک نتیجه آشکار این کارزار افزایش حملات و تجاوزها به بهائیان و اموال آنها بوده است. حملاتی که همچنان بدون پیگرد یا مجازات عاملان آن‌ها ادامه دارند. بهائیان همچنان از دسترسی به آموزش عالی محرومند، در فعالیت‌های اقتصادی خود با محدودیت و ممانعت مواجهند و در انجام مراسم عبادی خود آزاد نبوده و به شدت محدودند.

بهائیان ایران بارها به حکومت اعلام کرده اند که چیزی بیش از آزادی عمل به دین خود بنا به ندای وجدان‌شان و مشارکت در بهسازی و پیشرفت اجتماع ایران به طور کلی و هر جا که بتوانند نمی‌خواهند. متون مقدس بهائی، پیروان این دینانت را به عدم خشونت متعهد می‌سازد و آنان را ملزم می‌کند که از قوانین حکومتی که در لوای آن زندگی می‌کنند پیروی کنند و به آن احترام بگذارند. به بیان دیگر، آنها تهدیدی برای رژیم نیستند و این کار تبعیض و آزاری را که آنها تحمل می‌کنند بیش از پیش ناعادلانه می‌کند.

همزمان با آماده شدن جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با بررسی ادواری جهانی دوم خود، مقامات آن ممکن است مانند گذشته ادعا کنند که بهائیان ایران در موطن خود مورد اذیت و آزار قرار نمی‌گیرند و اگر کسی در زندان است، به خاطر جرائم مربوط به فعالیت‌های غیردینی است. احتمال دارد که مانند گذشته ادعا کنند تبعیض در آموزش، کسب و کار یا امور اجتماعی تقریباً وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد، به خاطر تعصبات دیرینه در میان عامه مردم است و دولت از کنترل و جلوگیری از آن عاجز است. همچنین ممکن است مانند گذشته ادعا کنند که آئین بهائی صرفاً یک جنبش سیاسی فتنه‌جویانه و نه یک دین «الهی» است و بنابراین بهائیان مشمول قوانین مربوط به آزادی دین یا عبادت نیستند.

چنین ادعاهایی کاملاً نادرست خواهد بود.

پس دولت‌ها و رسانه‌ها باید سابقه وضعیت حقوق بشر در ایران را قبل از بررسی ادواری جهانی سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) و طی این بررسی به دقت بیازمایند. میزان عمل ایران به وعده‌های چهار سال پیش خود، هنگامی که حکومت ۱۲۳ مورد از ۱۸۸ توصیه کشورهای دیگر را پذیرفت، باید به دقت بررسی شود. و بر اساس آن سابقه است که اظهارات ایران در سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) باید مورد سنجش و قضاوت قرار گیرد.

روز شده خود(نیوزیلند)؛

- پیوست

لیست توصیه های قبول شده

از طرف ایران در جریان بررسی ادواری جهانی

آن کشور در سال ۱۳۸۸

۱۰. ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در متابعت کامل از اصول پاریس(لهستان)؛

بررسی درباره امکان دریافت مجوز وتائید شورایعالی حقوق بشر به عنوان ۱۱. نهاد ملی حقوق بشر ایران از طریق کمیته بین المللی هماهنگی برای نهادهای ملی حقوق بشر (مالزی)؛

۱۲. ادامه حمایت از کار شورایعالی حقوق بشر برای تحقق ایجاد نهاد ملی حقوق بشر ، و اجرای بموقع برنامه ملی برای حقوق بشر (بولیوی)؛

۱۳. ادامه اجرای راهکارها و سیاست ها برای حمایت از زیرساختار های حقوق بشر و دستیابی به پیشرفت بیشتر در ترویج و حمایت از فرهنگ احترام به حقوق بشر (قطر)؛

۱۴. ادامه تلاش های کنونی ایران، براساس برنامه راهبردی دورنمای بیست ساله برای توسعه، به منظور تحقق توسعه پایدار و جهانی (لبنان)؛

۱۵. ادامه حمایت از سیاست های اجتماعی موفق خود به منظور تامین نیازهای مردم کشور (جمهوری بولیواری ونزوئلا)؛

۱۶. ادامه برنامه های ظرفیت سازی خود در زمینه همه جنبه های حقوق بشر (زیمبابوه)؛

۱۷. ادامه حمایت از آموزش حقوق بشر برای ماموران ومسئولان دولتی (بولیوی) ؛

۱۸. ادامه ارائه و بهبود آموزش وتعلیم حقوق بشر برای مسئولان قوه قضائیه و اجرای قانون (پاکستان)؛

۱۹. تداوم برنامه گنجاندن حقوق بشر در برنامه درسی مدارس (سودان)؛

۲۰. تسریع تکمیل برنامه اقدام ملی راهبردی حقوق بشر خود (پاکستان)؛

۲۱. هماهنگی تلاش ها به روشی که از برخورداری موثر مردم از حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی حمایت، و موانع موجود در این راه را برطرف کند (جمهوری عربی لیبی)؛

۲۲. ادامه اجرای تدابیری به منظور ترویج و حمایت بیشتر از حقوق کودکان ، وتشویق تلاش ها برای تضمین فرصت های بیشتر به منظور

شورای حقوق بشر A/HRC/14/12 -

جلسه چهاردهم - بررسی ادواری جهانی

گزارش گروه کاری در باره بررسی ادواری جهانی

جمهوری اسلامی ایران

نتیجه گیری ها و یا پیشنهادها

پیشنهادهایی که در زیر فهرست شده از حمایت ایران برخوردار است و ایران می گوید پیشنهاد های ۱۰۲ تا ۱۲۳ را انجام داده یا در حال اجرا است:

۱. ادامه احترام به قانون بشردوستانه بین المللی و حقوق بین الملل به طور کلی (کویت)؛

۲. متابعت کامل از تعهدات حقوق بشر بین المللی که ایران به آن ها متعهد است(نیوزیلند)؛

۳. ادامه تلاش ها برای اجرای تعهدات خود در حیطه حمایت از حقوق بشر(فدراسیون روسیه)؛

۴. تضمین اجرای کامل ضمانت های قانونی و تعهدات بین المللی،ازجمله درباره ممنوعیت شکنجه (اتریش)؛

۵. ادامه تلاش ها برای حمایت ازحقوق بشردرزمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی(سودان)؛

۶. ادامه اتخاذ تدابیر نوآورانه برای تضمین این امرکه سیاستگذاری های آن در زمینه توسعه امکان برخورداری کامل از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درکشور را فراهم سازد(بولیوی)؛

۷. افزایش تلاش ها برای حمایت بیشتر از حقوق اقتصادی و اجتماعی،وحقوق گروه های آسیب پذیر، از جمله زنان ، کودکان و اشخاص دارای معلولیت(ویتنام)؛

۸. تجدید نظر در باره گنجاندن ”ارتداد“، جادوگری“ و ”بدعت“ به عنوان جرائم مستوجب اعدام در مجموعه قوانین جزایی به

- و شرکت دادن آنان بر مبنای برابری در زندگی اجتماعی، به عنوان شرکای واقعی اجتماع (کویت)؛
۳۹. رعایت حداقل کمترین ضوابط و مواد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک در باره مجازات اعدام، حداقل تا مدتی که این مجازات اعمال می شود (بلژیک)؛
۴۰. بررسی لغو اعدام جوانان (قزاقستان)؛
۴۱. اتخاذ تدابیری برای تضمین این امر که هیچ شکنجه یا سایر رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز اعمال نشود (هلند)؛
۴۲. انجام اقدامات بیشتر برای حذف شکنجه و سایر شکل های بد رفتاری، و تضمین وجود نظام قضائی موثر و بیطرف (دانمارک)؛
۴۳. رعایت حقوق بشر زندانیان و بازداشت شدگان، و تحقیق درباره هر بدرفتاری احتمالی و توقف آنی آن (ایرلند)؛
۴۴. تضمین این که با بازداشت شدگان به درستی و براساس ضوابط بین المللی رفتار شود و در باره هرگونه تخطی از این ضوابط به درستی تحقیق به عمل آید (استونی)؛
۴۵. اجرای سیاست عدم تحمل نسبت به قاچاق زنان و دختر بچه ها، فحشای کودکان و تولید تصاویر مستهجن جنسی کودکان (پورنوگرافی) (آلمان)؛
۴۶. حصول اطمینان در قانون و در عمل، از این که همه ضمانت های مربوط به رعایت تشریفات قانونی لازم، به گونه ای که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تعیین شده، از جمله قاعده اصل برائت و درستی، واجتناب از تحمیل هر مجازاتی برای اعمال حقوق دیگری که براساس این میثاق به رسمیت شناخته شده، مانند آزادی بیان و حق اجتماعات و گردهمایی (مکزیک)؛
۴۷. حفظ موادی از قانون اساسی خود که آزادی نیایش را تضمین می کند (ایالات متحده)؛
۴۸. رعایت آزادی دین (آلمان)؛
۴۹. اتخاذ همه تدابیر لازم برای تضمین حفظ و صیانت اقلیت های دینی، از جمله اجرای پیشنهادهای مربوط به تامین مسکن مناسب و در خور شأن آنان که از سوی گزارشگر ویژه پس از دیدار ۲۰۰۶ وی مطرح شد (دانمارک)؛
۵۰. احترام به آزادی دین، و تضمین محاکمه عادلانه و شفاف اعضای جامعه بهائی، با تبعیت کامل از تعهدات پذیرفته شده به عنوان یک کشور متعهد به اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد و مصوبات حقوق بشر (رومانی)؛
۵۱. ادامه سیاست خود در زمینه ترویج و حمایت از همه حقوق
- دستیابی به آموزش عالی (قطر)؛
۲۳. تحقیق و رسیدگی با نظر مساعد درباره گنجاندن نتیجه بررسی کنونی در برنامه راهبردی ملی حقوق بشر که در پاراگراف ۱۲۴ گزارش ملی به آن اشاره شده (مکزیک)؛
۲۴. ادامه بررسی برای تعامل بیشتر با سازوکارهای بین المللی حقوق بشر (ویتنام)؛
۲۵. ادامه اجرای توصیه های نهادهای معاهده مهم سازمان ملل متحد (قزاقستان)؛
۲۶. همکاری با رویه های ویژه سازمان ملل متحد، و پیگیری درخواست های دیدارهای گزارشگران ویژه، به گونه ای که امروز اعلام شد (لوکزامبورگ)؛
۲۷. دادن پاسخ مثبت به درخواست های آتی بعضی از رویه های ویژه، و ایجاد امکان انجام بموقع دیدارهای آن ها (جمهوری چک)؛
۲۸. ارائه کامل دعوت های دائمی از رویه های ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد (شیلی)؛
۲۹. موافقت با دیدار کمیسر عالی حقوق بشر و دیگر کارشناسان و گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد که تقاضای دیدار از ایران کرده اند (ایالات متحده)؛
۳۰. نهایی کردن ترتیبات دیدارهای دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (استرالیا)؛
۳۱. مضاعف کردن تلاش ها برای پیشگیری از هر شکل تبعیض (نیکاراگوا)؛
۳۲. ایجاد چارچوبی قانونی برای حمایت و ترویج حقوق زنان (برزیل)؛
۳۳. اتخاذ تدابیری برای تضمین برابری زنان براساس قانون (شیلی)؛
۳۴. تضمین رفتار برابر با زنان و دختران در قانون و در عمل (اتریش)؛
۳۵. ایجاد تسهیلات برای برخورداری همه کودکان مادران ایرانی از گواهی تولد و ملیت ایرانی، بدون توجه به ملیت پدر (مکزیک)؛
۳۶. ادامه بهبود سیاست ها و برنامه های ایران برای بهبود وضعیت زنان و دختران، و حمایت از کودکان، از جمله کودکان معلول (اندونزی)؛
۳۷. انجام اقدامات مشخص تر برای حمایت از حقوق اشخاص معلول (قزاقستان)؛
۳۸. ادامه تلاش های ایران برای حمایت از اشخاص دارای معلولیت

اعضای اقلیت های دینی به رسمیت شناخته شده، به عنوان گامی مهم برای تامین تنوع فرهنگی در جامعه و ایجاد فرصت ها برای آن اقلیت ها تا هویت خود را حفظ کنند؛ و به این منظور تضمین حضور سیاسی بیشتر آنان و حمایت از مشارکت بیشتر ایشان در برنامه ریزی و اجرای طرح های گوناگون به منظور تامین کمک مالی برای نیازهای آموزشی و فرهنگی آنان (ارمنستان)؛

۵۲. انجام اقدامات بموقع و گسترده برای تضمین حق ابراز مخالفت به شهروندان کشور (دانمارک)؛

۵۳. افزایش آزادی بیان و اجتماعات، و حمایت از همه گروه ها، روزنامه نگاران و به ویژه مدافعان حقوق بشر (برزیل)؛

۵۵. پذیرفتن آزادی بیان، آزادی رسانه ها و اجتماعات (آلمان)؛

تضمین کامل حق برخورداری از آزادی بیان ، مطبوعات و فعالیت سیاسی ، از جمله از طریق تصویب تدابیر مشخص به منظور اجرای اصول 24، 25، 26 و 27 قانون اساسی ایران (ایتالیا)؛

ارائه شرحی کامل از رابطه بین اقدامات محدود کننده انجام شده مسئولان و قانون اساسی (ژاپن)؛

بررسی قوانین برای تضمین تبعیت آن ها از ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ، که از حق آزادی بیان حمایت می کند (اسلونی)؛

تضمین دسترسی آزادانه و نامحدود به اینترنت (هلند)؛

افزایش همکاری با سازمان های غیردولتی، و تضمین این امر که از حقوق همه کسانی که در دفاع از حقوق بشر فعالیت می کنند براساس قوانین ایران ، مطابق تعهدات آن براساس میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت شود و آزادی اجتماعات در قوانین ایران محفوظ باشد (ایرلند)؛

تشدید تلاش ها برای افزایش مشارکت زنان در همه گستره های زندگی اجتماعی - اقتصادی، هماهنگ با پیشرفت حاصله در آموزش زنان (بنگلادش)؛

۶۱. ادامه حمایت از ارتقای معیارهای زندگی مردم با مجاز دانستن برخورداری بیشتر از حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی (کویت)؛

۶۲. ادامه تلاش برای تضمین بیمه های اجتماعی موثر و همه خدمات مربوطه (کویت)؛

۶۳. ادامه انجام اقدامات برای افزایش دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و آموزشی (کوبا)؛

۶۴. ادامه پیشرفت در آموزش و مراقبت بهداشتی، با تمرکز ویژه بر زنان و دختر بچه ها (بنگلادش)؛

۶۵. ادامه تلاش ها برای ارائه خدمات کمکی بهداشتی، آموزشی و اجتماعی در نواحی روستایی (کویت)؛

۶۶. ادامه تلاش ها به منظور اجرای آرمان های توسعه هزاره و دستیابی به رفاه و بهروزی مردم ، به ویژه با تسهیل دسترسی مردم به خدمات ضروری بهداشتی (قطر)؛

۶۷. تقویت سازوکارها در سطح ملی برای کاهش فقر بین گروه های از نظر اجتماعی آسیب پذیر و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، و درمیان گذاشتن تجربه های خود با کشور های در حال توسعه علاقه مند به این تجارب (قرقیزستان)؛

۶۸. ادامه مبارزه با فقر با توجه لازم به ویژگی های منطقه ای (بنگلادش)؛

۶۹. ادامه تلاش ها برای کاهش فقر و محدود کردن نابرابری ها در آموزش و درآمدها (زیمبابوه)؛

۷۰. ادامه کوشش ها برای تضمین آموزش ابتدایی برای همه شهروندان (لبنان)؛

۷۱. ادامه تلاش ها برای توسعه آموزش، به ویژه در بخش های روستایی کشور، با مشارکت بخش های عمومی و خصوصی و سازمان های غیر دولتی، به امید کاهش فقر از طریق ایجاد فرصت های شغلی و تقویت منابع انسانی (قرقیزستان)؛

۷۲. ادامه تلاش ها به منظور تامین تسهیلات آموزشی برای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه آموزشی (سريلانکا)؛

۷۳. ادامه برنامه های نوآورانه خود برای ریشه کنی بیسوادی، و 83 ابتکارها برای گسترش آموزش در تمامی سطوح و در سراسر کشور (چین)؛

۷۴. ادامه اجرای برنامه سوادآموزی در سطح ملی برای دستیابی به حذف کامل بیسوادی (بولیوی)؛

۷۵. ادامه برنامه های طراحی شده خود به منظور فراهم کردن امکانات تحصیلات عالی متناسب با توان مالی مردم (جمهوری عربی سوریه)؛

۷۶. ادامه حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخی خود (کوبا)؛

۷۷. درمیان گذاشتن تجارب خود در زمینه تحقق حقوق فرهنگی مردم، از جمله از طریق ابتکارات و فعالیت های متنوع فرهنگی (تاجیکستان)؛

۷۸. افزایش تلاش ها برای گنجاندن فرهنگ ها و سنت های گوناگون ایرانی در مجموعه قوانین ملی خود (سودان)؛

۷۹. ادامه حمایت از گروه مردم آسیب پذیری که به خاک آن پناهنده شده اند (الجزایر)؛
۸۰. ادامه ابتکارهای فوق العاده در زمینه همکاری با کشورهای درحال توسعه، به عنوان روشی برای نیل به تحقق کامل حق توسعه (جمهوری بولیواری ونزوئلا)؛
۸۱. ادامه تلاش ها برای ترویج و حمایت از حقوق بشر، مطابق با ویژگی ها، ارزش ها و نیازهای جامعه ایران (لبنان)؛
۸۲. ادامه ارتقای سطح آگاهی درباره حقوق بشر، و افزایش تلاش های ملی برای حمایت از آن ها، با توجه لازم به ویژگی های فرهنگی و اسلامی (جمهوری عربی لیبی)؛
۸۳. تحقیق و بررسی درباره امکان انجام مطالعه ای فراگیر درباره پیامدهای مثبت اجرای نظامی حقوقی بر مبنای قانون مدنی و اسلامی، و در میان گذاشتن تجربه ها و بهترین روش های خود در این زمینه با دیگران (مالزی)؛
۸۴. ادامه تلاش ها برای تقویت و حمایت از حقوق بشر مطابق با ارزش های فرهنگی مردم ایران (سريلانکا)؛
۸۵. در میان گذاشتن تجربه ها و بهترین روش های کار خود درباره حمایت و تحکیم حقوق اشخاص دارای معلولیت با دیگر کشورهای علاقه مند (پاکستان)؛
۸۶. در میان گذاشتن تجربه ها، مهارت ها و ابتکارهای خود در زمینه بهداشت عمومی و "بهداشت گردشگری" با کشورهای علاقه مند (پاکستان)؛
۸۷. به تلاش ها و مساعدت ها در سطح بین المللی به منظور تقویت سازوکارهای بین المللی حقوق بشر ادامه دهد؛ و به ویژه برای کارکردن این سازوکارها بر مبنای عدم سیاسی کاری و مبتنی بر احترام و همکاری، که تحقق منافع جامعه بین المللی را تضمین می نماید، کمک کند (جمهوری عربی لیبی)؛
۸۸. ادامه حمایت از ابتکارها در دفاع از همبستگی بین المللی و گفتگوی برابر در ارکان مربوطه سازمان ملل متحد به منظور حمایت از حقوق بشر و همبستگی بین ملت ها و مردمان دارای حسن نیت (زیمبابوه)؛
۸۹. ادامه تلاش های بین المللی خود برای ایجاد نظمی بین المللی مبتنی بر همکاری و جذب (تاجیکستان)؛
۹۰. ادامه تلاش های خود در سطح بین المللی برای ایجاد نظمی بین المللی براساس عدالت و برابری (جمهوری عربی سوریه)؛
۹۱. ادامه سیاست های خود به منظور گفتگو بین ادیان و تمدن ها، در سطوح ملی و بین المللی (سرلانکا)؛
۹۲. ادامه حمایت از ابتکارها در زمینه گفتگو بین فرهنگ ها (جمهوری عربی سوریه)؛
۹۳. با توجه به تاریخ، فرهنگ و سنت غنی خود، به تلاش ها و ابتکارها برای حمایت از گفتگو بین ادیان و تمدن ها، از جمله با تمرکز بر موضوع ترویج و حمایت از حقوق بشر و فرهنگ صلح ادامه دهد (مالزی)؛
۹۴. ادامه ابتکار در زمینه گفتگو بین فرهنگ ها، به ویژه گفتگوی بین فرهنگی درباره حقوق بشر (چین)؛
۹۵. در میان گذاشتن روش های خوب خود درباره حفاظت از میراث فرهنگی اعضای اقلیت های سنتی با کشورهای منطقه و سایر کشورهای علاقه مند (ارمنستان)؛
۹۶. ادامه و تشدید مساعدت ها به گفتگوی بین تمدن ها (الجزایر)؛
۹۷. در میان گذاشتن تجربه ایرانی در زمینه ترویج مشارکت جامعه مدنی با کشورهای علاقه مند (الجزایر)؛
۹۸. در میان گذاشتن تجربه خود در زمینه تقویت آموزش با کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای چندفرهنگی (تاجیکستان)؛
۹۹. ادامه تلاش ها برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر (تاجیکستان)؛
۱۰۰. در میان گذاشتن تجربه ها و بهترین روش های خود در زمینه تضمین حق برخورداری از غذا و مبارزه با فقر، به ویژه در حوزه اعتبارات خرد، با سایر کشورهای در حال توسعه (تاجیکستان)؛
۱۰۱. ادامه برنامه ها برای تحقق برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و مبارزه با مشکلات مربوط به تحریم های اقتصادی غیرقانونی و غیر موجه علیه این کشور (زیمبابوه)؛
۱۰۲. تضمین حمایت از حقوق مدنی و سیاسی همه، به ویژه مخالفان و اعضای گروه های اقلیت (شیلی)؛
۱۰۳. تضمین استقلال واقعی رویه های حقوقی و اداری قوه قضائیه و اجرای عدالت، قوانین محدود شده اضطراری، حمایت و حفاظت کافی از مدافعان حقوق بشر و مخالفان سیاسی، و تضمین واقعی آزادی بیان و عقیده و آزادی باورهای دینی بر اساس موازین کنوانسیون بین المللی از ای های مدنی و سیاسی که ایران نیز به آن پیوسته است. (شیلی)؛
۱۰۴. بازجویی و تحت پیگرد قراردادن هر شخصی، اعم از مقامات دولتی و اعضای شبه نظامی، که مظنون به بدرفتاری، شکنجه یا قتل کسی، از جمله شرکت کنندگان در تظاهرات، فعالان سیاسی، مدافعان حقوق بشر و روزنامه نگاران هستند (کانادا)؛
۱۰۵. تضمین این که نهادهای صالحه درباره ادعاهای شکنجه، ناپدید شدن اجباری و بازداشت مخفی تحقیق و تفحص کنند، و اشخاص مسئول این اعمال مجازات شوند، و برنامه هایی برای ارائه خسارت به

و شفاف و مطابق با ضوابط بین‌المللی برگزار و قوانین تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها اصلاح می‌شوند (استرالیا)؛

۱۱۸. [ایران] تضمین کند که محاکمه "ایران" به روشی عادلانه و شفاف، براساس قوانین ایران، عدالت واقعی و رعایت تشریفات قانونی انجام شود (نیوزیلند)؛

۱۱۹. [ایران] حقوق پیروان جامعه‌ی بهائی را به طور کامل رعایت و کسانی را که در محافل و مجامع دینی، رسانه‌ها و اینترنت علیه آنان نفرت‌پراکنی می‌کنند تحت پیگرد قانونی قرار دهد (لوکزامبورگ)؛

۱۲۰. همه ماده‌های جنایی در ارتباط با آزادی بیان و آزادی اجتماعات را به پیروی از ضوابط بین‌المللی حقوق بشر لغو کند (اسلوواکی)؛

برای اطمینان از این که نیروهای امنیتی، از جمله پلیس، نیروهای مسلح و بسیج، علیه کسانی که حق خود را در زمینه آزادی بیان، اجتماعات و گردهمایی اعمال می‌کنند زور افراطی به کار نبرند، تدابیری به عمل آورد (استرالیا)؛

۱۲۲. قانون مطبوعات ایران را به منظور تعریف موارد استثنایی اصل ۲۴ قانون اساسی خود برای شرایط و مفاد ویژه اصلاح کند تا حقوق آزادی بیان و آزادی مطبوعات را که در سطح بین‌المللی تضمین شده اند، نقض نکند (کانادا)؛

۱۲۳. تضمین کند قوانین آزادی مشروع بیان، اجتماعات و گردهمایی را جرم به شمار نیاورد (استرالیا)؛

قربانیان تهیه و تدوین شود (شیلی)؛

۱۰۶. ایجاد سازوکارهایی موثر برای امکان شکایت قربانیان شکنجه (جمهوری چک)؛

۱۰۷. اتخاذ تدابیری برای تضمین موثر بودن و بیطرفی نظام قضائی بر مبنای تضمین اصول میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (هلند)؛

۱۰۸. همه بازداشت‌شدگان در ارتباط با تظاهرات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ را آزاد یا با مشخص کردن اتهام، ایشان را - به روشی سازگار با معیارهای محاکمه عادلانه بین‌المللی و قانون اساسی خود ایران- در دادگاه محاکمه کند (کانادا)؛

۱۰۹. تضمین دسترسی به وکیل مدافع و امکانات حقوقی برای کسانی که در رابطه با تظاهرات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ بازداشت شده اند (لهستان)؛

۱۱۰. در خصوص کسانی که پس از انتخابات ریاست جمهوری دستگیر شدند، به حق برخورداری از محاکمه عادلانه همه اشخاص تحت بازداشت و زندان به پیروی از اصول ۳۲ و ۳۵ و ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی ایران احترام بگذارد (ایتالیا)؛

۱۱۱. درباره محل نگهداری بازداشت‌شدگان به خانواده‌ها و وکیل مدافع آنان اطلاعات داده، امکان دسترسی به بازداشت‌شدگان را فراهم سازد (اتریش)؛

۱۱۲. اعضای پلیس نظامی، پرسنل زندان و بازداشتگاه و قضائی را برای هرگونه نقض حقوق بشر، به ویژه برای شکنجه به شدت مسئول و پاسخگو بداند (جمهوری چک)؛

۱۱۳. بلافاصله درباره همه ادعاهای مربوط به شکنجه وسایل بدرفتاری‌ها با کسانی که در جریان تظاهرات ژوئن ۲۰۰۹ توقیف یا بازداشت شدند تحقیق به عمل آورد (استرالیا)؛

۱۱۴. درباره کشتار، توقیف و بازداشت‌ها پس از تظاهرات بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹، از جمله استفاده بیش از حد احتمالی از زور به وسیله نیروهای امنیتی، تحقیقات مستقل به عمل آورد (لهستان)؛

۱۱۵. درباره خشونت نیروهای امنیتی بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ تحقیقات شفاف و علنی به عمل آورد (اتریش)؛

۱۱۶. برای تضمین این امر که مسئولان امنیتی و دولتی که در نقض حقوق بشر در رابطه با بازداشت غیرقانونی و خودسرانه و استفاده احتمالی از شکنجه شرکت داشتند بازجویی، محاکمه و مجازات شوند، تدابیر لازم به عمل آورد (هلند)؛

۱۱۷. [ایران] اطمینان دهد که محاکمه هفت مدیر جامعه بهائی عادلانه

وعده‌های تحقق نیافته
عدم پایبندی ایران به اجرای تعهداتی که در روند بررسی ادواری
جهانی در سال ۱۳۸۸ پذیرفته بود

گزارش ویژه
جامعه جهانی بهائی
شهریور ۱۳۹۳

www.bic.org/UnfulfilledPromises

© ۲۰۱۴ by the Bahá'í International Community
۸۶۶ United Nations Plaza
Suite ۱۲۰
New York, NY ۱۰۰۱۷-۱۸۳۳ USA
<http://bic.org>